



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir

انگیزه های قیام

امام حسین علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# انگیزه‌های قیام امام حسین (ع)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	انگیزه‌های قیام امام حسین(ع)
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۹	هدف کلان و استراتژیک
۹	اهداف جزئی
۹	اشاره
۹	انجام دادن تکلیف الهی و تحصیل رضایت خداوند
۹	اشاره
۱۱	یاد سپاری مهم
۱۲	ترسیم زندگی سعادت‌مندان و مسئولیت شناسی در برابر سرنوشت امت اسلامی
۱۲	اشاره
۱۲	نامه به مردم بصره
۱۲	برخی از اشعار حماسی امام حسین در میدان نبرد
۱۳	منشور جهانی حماسه جاوید کربلا
۱۳	نتیجه
۱۳	مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد
۱۳	اشاره
۱۳	در پاسخ مروان بن حکم
۱۴	تصرف اموال کاروان یزید
۱۴	یاد سپاری
۱۴	لزوم مبارزه با ستمگران
۱۴	تحقیر عبدالله توسط امام حسین

- ۱۵ ..... تشکیل حکومت اسلامی
- ۱۵ ..... اشاره
- ۱۵ ..... نامه‌ای به مردم بصره
- ۱۵ ..... پاسخ نامه‌های مردم کوفه
- ۱۶ ..... سخنرانی برای سپاه حر
- ۱۶ ..... دومین سخنرانی امام
- ۱۷ ..... دو یاد سپاری مهم
- ۱۷ ..... یاد سپاری مهم
- ۱۸ ..... جایگاه والای امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۸ ..... اشاره
- ۱۸ ..... مهم‌ترین ویژگی جامعه اسلامی
- ۱۹ ..... حقیقت والای امر به معروف
- ۱۹ ..... اشاره
- ۱۹ ..... زیباترین راهکار
- ۱۹ ..... اشاره
- ۱۹ ..... تلاش‌های علمی و آموزشی
- ۲۰ ..... اقدامات عملی
- ۲۱ ..... پاداش آمران و ناهیان
- ۲۲ ..... پیامدهای شوم ترک نهی از منکر
- ۲۲ ..... برکات احیای امر به معروف
- ۲۳ ..... توضیح مفهوم و مصداق معروف و منکر
- ۲۳ ..... شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۴ ..... اجرای احکام و حدود دینی و جلوگیری از تعطیلی آنها
- ۲۴ ..... اصلاح طلبی و احیای سنت نبوی و روش علوی

- ۲۴ ..... اشاره
- ۲۵ ..... اتمام حجت بازگویی حقایق و هوشیار ساختن مردم در برابر رفتارهایشان
- ۲۵ ..... اشاره
- ۲۵ ..... یاد سپاری
- ۲۶ ..... دو یاد سپاری مهم
- ۲۷ ..... یاد سپاری
- ۲۸ ..... هدایتها و درسهای سازندگی عاشورا
- ۲۸ ..... اشاره
- ۲۸ ..... عزت و افتخار حسینی
- ۲۹ ..... تسلیم فرمان و رضای خدا شدن
- ۲۹ ..... لزوم حمایت از دین و ارزشهای دینی
- ۲۹ ..... احیای امر به معروف و نهی از منکر
- ۳۰ ..... ویژگیهای رهبر اسلامی و روش حکومتی او
- ۳۰ ..... لزوم پیروی از رهبر الهی
- ۳۰ ..... خطر بی تفاوتی در برابر رهبری
- ۳۰ ..... قاطعیت در تصمیم
- ۳۰ ..... نترسیدن از مرگ و روحیه شهادت طلبی
- ۳۰ ..... اشاره
- ۳۱ ..... دنیا گریزی و فریفته نشدن به آن
- ۳۲ ..... پیامد شوم خوردن مال حرام
- ۳۲ ..... دنیا گرایی انسانهای ضعیف الایمان
- ۳۲ ..... آزادمردی و غیرت مردانگی
- ۳۲ ..... تعظیم شعائر الهی
- ۳۲ ..... بیان سنت الهی در رفتار با حق جویان و باطل گرایان

- ۳۳ ..... دنیا لغزشگاهی خطرناک
- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... فقط پذیرش ولایت خدا
- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... یاد سپاری
- ۳۳ ..... باز بودن راه توبه
- ۳۴ ..... افزایش مصیبت پذیری در سایه پیوند با خدا
- ۳۴ ..... پیروزی خون بر شمشیر
- ۳۴ ..... عبرت‌های عاشورا
- ۳۴ ..... نتیجه
- ۳۵ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## انگیزه‌های قیام امام حسین(ع)

### مشخصات کتاب

زبان: فارسی نویسنده: جمعی از نویسندگان

ناشر: مجله حوزه

تعداد صفحات: ۵۷

### مقدمه

«عن الحسين بن علي بن ابي طالب و انا ادعوكم الي كتاب الله و سنه نبيه فان السنه قد اमितت و البدعه قد احييت .بي شك امام حسين (ع) از فرجام حرکت الهی - سیاسی خودش آگاه بود او نیک می دانست که این قیام به شهادت او و یارانش می انجامد و زنان و دخترانش به اسارت دشمن در می آیند. اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که آیا حفظ جان واجب نیست قهراً پاسخ مثبت است پس باید پرسید: چرا امام این حرکت خونبار را آغاز کرد؟ انگیزه‌ها و اهداف آن حضرت چه بوده است با سیری اجمالی در سیره و سخنان سید الشهداء (ع) اهداف کلان و خرد او را می توان این گونه بیان کرد:

### هدف کلان و استراتژیک

احیای اسلام ناب محمدی (ع) و ارزش‌های دینی آزاد سازی دین و حکومت دینی از چنگال نا اهلان و اشرار.

### اهداف جزئی

#### اشاره

اهداف و مقاصد جزئی امام حسین (ع) عبارت بودند از: ۱. انجام دادن تکلیف و تحصیل رضایت خدا. ۲. ترسیم زندگی سعادت‌مندان و مسوولیت. ۳. مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد. ۴. تشکیل حکومت دینی. ۵. اجرای احکام و حدود دینی و جلوگیری از تعطیلی آنها. ۶. اصلاح طلبی و ارائه الگوی عینی رهبر عادل با رویکرد به سنت نبوی و علوی. ۷. احیای فریضه گرانسنگ امر به معروف و نهی از منکر. ۸. اتمام حجت و آگاهی بخشی به امت و تقویت هوشمندی‌های سیاسی - دینی مردم اینک هر یک از اهداف جزئی را توضیح می دهیم

### انجام دادن تکلیف الهی و تحصیل رضایت خداوند

#### اشاره

فردی که به مقام عبودیت بار یافته است و افتخار خود را بندگی خدا می داند، جز انجام دادن تکلیف و دستیابی به رضایت خداوند، به چیز دیگری نمی اندیشد و همه برنامه‌های زندگی اش را بر این اساس سامان می بخشد. این موضوع مهم را برای نمونه از این سخنان حضرت می توان به دست آورد: الف - آن گاه که مادر بزرگ ایشان «ام سلمه به حضرت گفت با حرکت خودت به سوی عراق مرا اندوهگین مساز؛ زیرا از جدت رسول خدا شنیده‌ام که فرمود: «فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته

خواهد شد». امام در پاسخ وی فرمود: «یا اُمّاه و انا أعلم انّی مقتول مذبوحٌ ظلماً و عدوئاً و قد شاء عزّوجلّ ان یری حرمی ورهطی مشرّدین و اطفالی مذبوحین مأسویّ مقیدین و هم یستغیثون فلا یجدون ناصرأی مادر! به خوبی می‌دانم که براساس ستم و کینه توزی مردم کشته می‌شوم و سرم از بدنم جدا می‌گردد آری خداوند بزرگ چنین خواسته است که کودکانم کشته شوند و زنان و فرزندانم به اسارات دشمن در آیند و فریاد ناله‌های آنان طنین انداز شود، ولی کسی به فریاد آنان نرسد». ب وقتی محمد بن حنفیه از حرکت برادرش به سوی کوفه آگاه شد، سراسیمه به مکه شتافت و از بی‌مهری و بی‌وفایی مردم کوفه نسبت به امام علی (ع) و امام حسن (ع) سخن گفت او امام حسین (ع) را از سفر به کوفه بازداشت و حرکت به طرف یمن را پیشنهاد کرد. امام به او فرمود: «درباره پیشنهاد تو فکر می‌کنم، لیکن ایشان صبحگاهان بارسفر بست و حرکت خونین خودش را آغاز کرد. محمد شتابان پیش برادر آمد و گفت مگر وعده ندادی که سخن مرا بررسی کنی حضرت در پاسخ وی فرمود: «بلی ولکن بعد ما فارقتک رأیت رسول الله (ص) فی المنام و قال یا حسین اخرج فان الله تعالی شاء ان یراک قتیلاً». محمد با شنیدن رؤیای برادرش گفت (انا لله و انا الیه راجعون . سپس پرسید: پس چرا زنان و کودکان را می‌بری حضرت در پاسخ فرمود: «و قد شاء الله ان یراهن سبایا». ج هنگامی که عبدالله بن جعفر (همسر حضرت زینب از حرکت به سوی کوفه آگاه شد، نامه‌ای به ایشان نوشت و توسط دو فرزندش عون و محمد، برای امام فرستاد او امام را از این سفر خونین بازداشت و همزمان به دیدار، عمرو ابن سعد فرماندار مدینه و امیر الحاج یزید رفت تا امان نامه‌ای از وی بگیرد او نیز پذیرفت و برادرش یحیی را همراه امان نامه و عبدالله به سوی امام روانه ساخت وقتی پیش حضرت آمدند، عبدالله با تقدیم نامه عمرو، دوباره بازگشت او را خواستار شد آن‌گاه امام در پاسخ وی فرمودند: «انّی رأیت رؤیاً فیها رسول الله و أرمّت فیها بأمّ انا ماضٍ له علیّ کان اولی در خواب پیامبر را دیدم و در آن دستوری به من داده شد که باید آن را دنبال کنم چه به سودم باشد یا ضررم. سپس عبدالله توضیح بیشتری درباره خواب حضرت طلبید. امام فرمود: «ماحدّثت أحداً بها و ما أنا مُحدّثٌ بها حتی ألقى ربّی .د. هنگامی که کاروان عشق و ایثار در منزلی (بطن عقبه به استراحت پرداخت امام خطاب به یارانش فرمود: «ما أرانی الا مقتولاً فأنّی رأیت فی المنام کلاب تنهشی و اشدّها علی کلب ابقع؛ بی‌تردید من کشته خواهم شد؛ زیرا در خواب دیدم که چندین سگ به من حمله ور شدند و سرسخت‌ترین آنها سگی بود سیاه و سفید». ه. هنگامی که کاروان حماسه و شور، به نزدیکی کربلا- و منزل «قصر بنی مقاتل رسید، پس از استراحت کوتاهی امام دستور حرکت داد و با ذکر «انا لله و انا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین راه افتاد. جناب علی اکبر پیش آمد و سبب استرجاع پدرش را جویا شد، امام در پاسخ وی فرمود: «انّی خفقت برأسی فعنّ لی فارس و هو یقول القوم یسرون و المنایا تشری الیهم فعلمت انّها انفسنا نعیّت الینا؛ خواب سبکی بر چشمانم غلبه کرد و ناگهان این صدا را شنیدم این گروه شبانه حرکت می‌کنند و مرگ نیز به دنبال آنهاست بدینسان فهمیدم که خیر مرگ را برایم می‌دهند» آنگاه علی اکبر عرض کرد: «لا أراک ان شاء الله بسوء؛ ألسنا علی الحق؟؛ خداوند بر تو بد نخواهد، مگر ما در مسیر حق نیستیم». امام فرمود: «آری به خدا سوگند که جز در راه حق گام بر نمی‌داریم». علی اکبر گفت «پس در این صورت چرا باید از مرگ بترسیم هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهیم. و هنگامی که طلّیعه سپاه ظلمت با کاروان نور، رو به رو گردید و آنان را ناگزیر در سرزمین کربلا فرود آوردند، امام فرمود: «اللهم انی أعود بک من الکرب و البلاء هیهنا محطّ رحالنا و هیهنا و الله محلّ قبورنا، و هیهنا و الله محشرنا و منشرنا، و بهذا وعدنی جدّی رسول الله و لا خلاف لوعده؛ بار پروردگارا! از اندوه و بلا به تو پناه می‌برم این جاست محل فرود آمدن ما، به خدا سوگند! اینجاست مکان قبرهای ما، به خدا سوگند! این جا محل حشر و نشر ما درقیامت است این وعده‌ای است که جدم پیامبر به من داده است و به یقین در وعده او خلافتی نیست. ز. عصر تاسوعا سپاهیان نفاق آهنگ یورش به خیمه‌های حسین (ع) کردند. حضرت در آستانه خیمه به شمشیرش تکیه زده بود که خواب سبکی بر چشمانش چیره شد. حضرت زینب صدای همهمه سپاه را شنید و سراسیمه پیش برادرش شتافت و با او سخن گفت حضرت در پاسخ وی فرمود: «انّی رأیت رسول الله فی المنام فقال لی أنّک صائر الینا عن قریب پیامبر خدا را در خواب دیدم که به من گفت به زودی نزد

مامی آیی» ح در واپسین ساعت‌های شب عاشورا، خواب سبکی چشم امام (ع) را فرا گرفت وقتی از خواب بیدار شد، به یارانش فرمود: «انّی رأیت فی منامی کأنّ کلاباً قد شتت علی تنهشینی و فیها کلب أبقع رأیته أشدها و أظنّ أنّ الذی یتولّی قتلی رجلٌ أبرصٌ من هؤلاء القوم. در خواب دیدم که چندین سگ شدیداً بر من حمله ور شدند و سر سخت‌ترین آنها سگی بود به رنگ سیاه و سفید و فکر می‌کنم از میان این مردم فردی که بیماری برص دارد، مرا خواهد کشت. سپس افزودند: «وانی رأیت رسول الله بعد ذلک و معه جماعه من أصحابه و هو یقول أنت شهید هذه الامه و قد استبشر بک أهل السموات و أهل لصفیح الاعلی ولیکن افطارک عندی اللیلۃ عجلّ و لا تؤخّر، فهذا ملک قد نزل من السماء لیأخذ دَمک فی قاروره خضراء؛ همچنین رسول خدا (ص) را با جمعی از یارانش دیدم که به من فرمود: توشه‌ید این امتی و ساکنان آسمان‌ها و اهالی ملکوت اعلی و عرش برین آمدن تو را به یکدیگر مژده می‌دهند. تو امشب افطار را پیش ما خواهی بود. بشتاب و تأخیر را روا مدار. اکنون فرشته‌ای از آسمان فرود آمده است تا خون تو را بگیرد و در شیشه‌ی سبز رنگی نگهداری کند؛ در پایان فرمود: فهذا ما رأیت و قد أنف الامر و اقرب الرحیل من هذه الدنيا لا شک فیہ ای یاران این بود خوابی که دیدم مرگ ما فرا رسیده بی‌تردید هنگام کوچیدن از این دنیا نزدیک شده است» آری شهادت آن بزرگوار، ویژگیهای قاتل - ابتلا به بیماری برص که به صورت سگ سیاه و سفید نشان داده شد - روزه امساک از توجه به غیر خدا و به مهمانی افطار پیامبر (ص) رفتن استقبال فرشتگان از روح این شهید والا مقام ذخیره کردن خون او که باید برای زنده نگه داشتن دین در هماره تاریخ در جریان باشد، همه این حقایق ملکوتی در عالم رویا به آن حضرت بیان شد و او نیز عاشقانه آنها را پذیرفت و در راه انجام وظیفه همه آنها را به جان خرید.

### یاد سپاری مهم

در بیانات امام (ع) سخن از «مشیت الهی به میان آمده است شاید این پرسش به ذهن برخی خطور کند که اگر خواست خدا چنین بود، پس امام حسین (ع) چاره‌ای جز حرکت نداشت و او در پیمودن این راه مجبور بود! پس شهادت او و یارانش چندان ارزشی ندارد؛ زیرا عمل غیر اختیاری نیکو شمرده نمی‌شود. از سوی دیگر، رفتار ددمنشانه سپاهیان کوفه نیز چندان زشت نمی‌نماید؛ چون هر مقتولی قاتلی می‌طلبد و آنان نیز طبق خواست خدا عمل کرده‌اند! پس این همه لعن و نفرین برای چیست در پاسخ باید گفت مشیت و اراده دو نوع است تکوینی و تشریحی آنچه به پیدایش چیزی در جهان پیوند دارد، اراده تکوینی نامیده می‌شود که یکی از ویژگی‌های آن محال بودن تخلف از اراده است یعنی محال است که خواسته خدا تحقق نیابد؛ (انما امره اذا اراد شیئا أن یقول له کن فیکون و آنچه به امور قانونی ربط دارد، اراده تشریحی نام دارد. از ویژگیهای آن امکان تخلف مراد از اراده است یعنی ممکن است که خواسته خدا تحقق نیابد: (ان الله یأمر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذکرون خداوند به برپایی عدالت و نیکی به مردم و رسیدگی به امور خویشان فرمان داده آنها را از مردم خواسته و نیز از پیدایش زشتی‌ها و منکرات و ستم باز داشته است خداوند شما را موعظه می‌کند، شاید متذکر شوید». لیکن همگی با چشم خود می‌بینیم که چنین نیست و خواسته خدا عملی نشده چه بسیار است نیکی‌ها که بر زمین مانده و چه بسیار آلودگی‌هایی است که در جوامع پخش شده است بنابراین روشن شد که در تحقق عملی از انسان تنها اراده خداوند کافی نیست بلکه خود انسان نیز باید اراده داشته باشد و حسن و قبح و صلاح و فساد کار را دریابد و به آن روی آورد، یا از آن رخ برتابد. وقتی امام حسین (ع) غضب خلافت نبوی و تکیه زدن فرد پلیدی چون یزید به مسند قدرت را نگریست دیگر لحظه‌ای درنگ را روا نشمرد و جهاد با غاصبان خلافت و دشمنان رسالت را بر خود واجب دید تا بدین سان خود و فرزندانش را قربانی کند و اسلام در حال نابودی را جانی دوباره بخشد و قرآن و آیین فراموش شده نبوی را حیاتی نو عطا کند. این مأموریت آسمانی در قالب خواب به سیدالشهداء (ع) عرضه شد و او نیز پیش از هر حرکتی این انگیزه و هدف مهم خویش را با یارانش بیان کرد تا آنان که در طول تاریخ اوراق زرین این حماسه

شورانگیز را ورق می‌زنند، به خوبی بدانند که او بر پایه علم و آگاهی واراده و اختیار، این مسیر را پیمود و با نیروی بسیار اندک ولی با ایمان و فداکار، در برابر سپاهیان پرشمار دشمن پا به عرصه جهاد گذاشت نتیجه‌ی طبیعی این نبرد، شکست ظاهری او و یارانش بود؛ لیکن همان گونه که او از طریق احادیث فراوان به شهادتش آگاه شده بود، این موضوع مهم را هم می‌دانست که این رفتار وی الگویی برای مبارزان مسلمان خواهد شد و این حماسه آفرینی او و یارانش همچنان بر تارک تاریخ خواهد درخشید.

## ترسیم زندگی سعادتمندانه و مسئولیت شناسی در برابر سرنوشت امت اسلامی

### اشاره

یکی از وظایف هر مسلمان این است که در برابر دین الهی و سرنوشت امت اسلامی احساس مسئولیت داشته باشد. فقط به زندگی فردی و وظایف انفرادی نیندیشد؛ بلکه در مقابل هر حرکتی که سعادت امت را به خطر می‌افکند، واکنش مناسبی از خود نشان دهد تا ناهلان زمینه نفوذ و به سقوط کشاندن حکومت دینی را در سر نپروراند. این مهم بر پیشوایی چون حسین بن علی (ع) واجب‌تر از دیگران است آن حضرت با اقدام شجاعانه خویش این درس را به همگان آموخت و ویژگیهای زندگی سعادتمندانه را برشمرد، زیرا زندگی به فرو رفتن و فرا آمدن نفس نیست بسیاری از انسان‌ها مرده‌های متحرکی هستند که فقط خواص حیات حیوانی دارند. برای آشنایی با این هدف مهم امام (ع)، نمونه‌هایی از سخنانش را با هم بررسی می‌کنیم

### نامه به مردم بصره

سید الشهدا (ع) پس از ورود به مکه مکرمه نامه‌ای بدین مضمون برای سرشناسان مردم بصره مانند مالک بن مسمع بگری مندرین بن جارود و مسعود بن عمر فرستاد و در آن نوشت «أما بعد، فان الله اصطفى محمداً من خلقه و أكرمه بنبوته واختاره لرسالته ثم قبضه اليه و قد نصح لعباده و بلغ ما أرسل به و كُنَّا أهله و اوليائه وأوصيائه و ورثته و أحق الناس بمقاسه في الناس فاستأثر علينا قومنا بذلك فرضينا و كرهنا الفرقة و أحببنا العافية و نحن نعلم أنا احق بذلك الحق المستحق علينا ممن تولاه و قد بعثت رسولی اليكم بهذا الكتاب و أنا أدعوكم الى كتاب الله و سنته نبيه فان السنه قد أمتيت و البدعه قد أحيت فان تسمعوا قولی أهدكم الى سبيل الرشاد. و السلام عليكم و رحمه الله و برکاته پس از حمد و ثنای الهی بی‌تردید خداوند، حضرت محمد (ع) را از میان آفریدگانش برگزید و او را به نبوت و رسالت کرامت بخشید. سپس در حالی که او وظیفه الهی و ابلاغ رسالتش را ناصحانه و خالصانه انجام داده بود، او را به ملکوت اعلا برد و جانش را گرفت ما اهل بیت وصی و وارث او و سزاوارترین مردم برای جانشینی او بودیم ولی گروهی بر ما پیشی جستند و حق ما را ربودند. ما با آگاهی از شایستگی خویش بر آنان برای سلامتی جامعه و پیشگیری از هر گونه فتنه و آشوبی بدان تن دادیم و آرامش جامعه اسلامی و احیای دین خدا را بر دستیابی به حق خویش پیش انداختیم اکنون پیک خود را با نامه‌ای به سوی شما گسیل می‌دارم و شما را به سوی قرآن و سنت پیامبر (ص) فرا می‌خوانم زیرا در شرایطی هستم که سنت نبوی مرده و نابود شده و جای آن را بدعت‌ها فرا گرفته است اگر دعوت مرا بپذیرید، راه رشد و سعادت را به شما می‌نمایم درود و رحمت و برکت خدا بر شما باد».

### برخی از اشعار حماسی امام حسین در میدان نبرد

الموت أولى من ركوب العار والعار أولى من دخول النار «مرگ از پذیرفتن ننگ بهتر، و تن دادن به ننگ از در آمدن به آتش جهنم بهتر است. أنا الحسين بن علی آلیت أن لا أثنی أحمی عیالات أبی أمضی علی دین النبی من حسین فرزند علی هستم سو گند یاد

کرده‌ام که در برابر دشمن سر فرود نیاورم. «من از خاندان پدرم پشتیبانی می‌کنم و برای احیای دین جدم کشته می‌شوم. برای آشنایی بیشتر با اشعار حماسی امام و یارانش مراجعه شود به کتاب العوالم مقتل خوارزمی و ادب الحسین (ع).

### منشور جهانی حماسه جاوید کربلا

پس از آن که همه یاران فرزندان و برادران امام حسین (ع) شهید شدند، او به نبرد با دشمن پرداخت و با حمله‌های پی در پی بسیاری از سپاهیان کوفه را بر زمین افکند. آنان از رویا رویی با حضرت در ماندند، حيله‌ای به کار بستند و به خیمه‌های خاندان او حمله ور شدند. آنگاه امام (ع) با صدای رسایی فریاد زد: «یا شیعه آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین و کنتم تخافون المعاد، فکونوا أحرار فی دنیاکم و ارجعوا الی أحسابکم ان کنتم عرباً کما تزعمون ای دوستداران خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز رستاخیر نمی‌هراسید، دست کم آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می‌دانید، به آیین نیاکان خود رفتار کنید و مراقب شرافت انسانی خود باشید».

### نتیجه

احساس مسؤولیت در برابر دین آسمانی و سرنوشت امت اسلامی از وظایف سنگین هر فرد مسلمان است که درباره رهبران دینی نمود بیشتری دارد و نیز ترسیم سیمای جامعه سعادت‌مند از ویژگیهای رهبران الهی است که امام حسین (ع) در سراسر زندگی حماسه سازش به این دو، عمل کرد و اهتمام به این دو وظیفه اجتماعی را به همگان آموخت

### مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد

#### اشاره

عن الحسین بن علی (ع): سمعت جدی رسول (ص) یقول الخلفه محرمه علی آل ابی سفیان فاذا رأیتم المعاویه علی منبری فابقروا بطنه مبارزه حق و باطل در طول تاریخ همواره بوده است طاغوت‌ها و مستکبران با بهره‌گیری از ابزار قدرت تهدید و تطمیع مردم را شست و شوی مغزی می‌دهند؛ (فاستخف قوم فطاعوه و بدین سان بر جان و مال مردم سلطه می‌یابند و زمام امر آنان را در اختیار می‌گیرند و آنان را به اطاعت و بندگی خود فرا می‌خوانند، اینان رهبران نارند؛ لیکن رهبران نور، همواره مردم را به خدا پرستی و خودگریزی و حرکت در مسیر صراط مستقیم الهی دعوت می‌کنند. قهراً میان این دو روش برخورد با مردم درگیری پدید می‌آید؛ رهبران نورانی به هر وسیله ممکن می‌کوشند تا انسان‌ها را از بردگی غیر خدا نجات دهند و به بندگی ذات اقدس الهی ره بنمایانند، هر چند به نثار جان و مالشان بینجامد. از این رو، امام حسین (ع) نیز یکی از اهدافش را مبارزه با زمامداران فاسد و مفسد می‌نامد. برای نمونه چند مورد را بررسی می‌کنیم

### در پاسخ مروان بن حکم

پس از حضور امام (ع) در جلسه شبانه فرمانداری که به جهت بیعت‌گیری بی‌سر و صدا از آن حضرت بر پا شد و حضرت آن پاسخ دندان شکن را به ولید داد. صبح روز بعد، مروان امام (ع) را دید و گفت من خیر خواه تو هستم بیعت با یزید به سود دنیا و آخرت تو است سیدالشهدا (ع) در پاسخ وی فرمود: «أنا لله وانا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذا ابلیت الامه براع مثل یزید ولقد سمعت جدی رسول الله (ع) یقول الخلفه محرمه علی آل ابی سفیان فاذا رأیتم المعاویه علی منبری فابقروا بطنه و قدر آه اهل المدینه علی

المنیر فلم یبقروا، فابتلاهم الله یزید الفاسق اکنون که مسلمانان به زمامداری فردی چون یزید گرفتار شده‌اند، باید فاتحه اسلام را خواند و با آن وداع کرد. شنیدم از جدم رسول خدا که می‌فرمود: خلافت بر دودمان سفیان حرام است اگر روزی معاویه را بر بالای منبرم دیدید، شکمش را بدرید و با خواری و ذلت او را بکشید؛ ولی مردم مدینه این صحنه را دیدند و هیچ واکنشی نشان ندادند، بدین جهت خداوند آنان را به یزید بدتر از معاویه گرفتار کرد».

### تصرف اموال کاروان یزید

هنگام خروج امام (ع) از مکه مکرمه منطقه تنعیم - که نزدیک‌ترین نقطه به حرم است - کاروانی را دید که از سوی استاندار یمن بحیزی یسار، هدایای ارزشمند را به سوی شام می‌بردند. حضرت جلو آنان را گرفت و آن اموال را مصادره کرد و خطاب به آنان گفت «من احب منکم ان ینصرف معنا الی العراق اوفینا کرائه و احسنا صحبته و من احب المفارقه اعطیناه من الکراء علی ما قطع من الارض هر یک از شما دوست دارد که همراه ما به عراق بیاید، کرایه کامل او را می‌پردازیم و با او به نیکی برخورد می‌کنیم و آن که بخواهد از همین جا برگردد، کرایه تا آن مکان را به او می‌پردازیم .

### یاد سپاری

سرور آزادگان با این عملکرد انقلابی به همگان آموخت که باید با طاغوت هر چند با روش‌های اقتصادی بستیزند؛ زیرا آن اموال از آن مسلمانان محروم یمن بود که مزدور معاویه آن‌ها را از مردم به زور گرفته برای خود شیرینی به یزید فرستاده بود این اموال باید در اختیار حاکم عادل قرار گیرد که برای صلاح امت اسلامی مصرف شود. از سوی دیگر، با پیشنهاد اعطای کرایه شترداران که از طبقه محروم بودند، التزام خود را به احکام دینی و با وعده مصاحبت نیکو در طول سفر به عراق اخلاق زیبایی اسلامی را به نمایش گذاشت

### لزوم مبارزه با ستمگران

کاروان امام (ع) با سپاه حر روبه رو شد و ناچار به همراهی آنان تن داد و در منازل میان راهی و کنار همدیگر به استراحت می‌پرداختند. در منزلی به نام «بیضه حضرت زبان به سخن گشود که در بخشی از آن آمده است «أیها الناس ان رسول الله (ص) قال من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله، ناکثاً عهداً مخالفاً لنبیه یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یُغیر علیه بفعل و لا قول کان حقاً علی الله أن یدخله مدخله ای مردم پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: هر مسلمانی حاکم ستمگر را ببیند که حرام خدا را حلال کرده پیمان الهی را شکسته با سنت پیامبرش به مخالفت برخاسته با بندگان خدا و امت اسلامی به گناه و تجاوز رفتار می‌کند، ولی در برابر او هیچ واکنشی گفتاری یا رفتاری نشان ندهد و راه سکوت را در پیش گیرد، بر خداوند است همان گونه که حاکم ستمگر را به عذاب جهنم گرفتار می‌کند، آن فرد ساکت‌را نیز به همان آتش بسوزاند».

### تحقیر عبیدالله توسط امام حسین

وقتی که حرّ بن یزید، کاروان عشق و ایثار را با اجبار در منطقه کربلا فرو نشاند، نامه‌ای به عبیدالله بن زیاد، والی کوفه نوشت و از او کسب تکلیف کرد. وی در پاسخ حرجین نوشت از ورود آنان به سرزمین کربلا - آگاه شدم امیرالمؤمنین یزید بن معاویه به من فرمان داده است که لحظه‌ای استراحت نکنم و غذایی سیر نخورم تا حسین را بکشم یا او به فرمان من درآید و به حکومت یزید تن در دهد. وقتی پیک این زیاد این نامه را به امام (ع) داد، حضرت آن را خواند و با بی‌اعتنایی به زمین انداخت و فرمود: «لا افلح قوم

اشتراک مرضات المخلوق بسخط الخالق رستگار و کامیاب مباد مردمی که خشنودی خلق را با غضب خالق معامله کردند و از خدا گریختند و به دنیا دل بستند». سپس در پاسخ نامه رسان چنین فرمود: «ما له عندی جواب» لانه حقت عليه كلمة العذاب این نامه شایسته پاسخ نیست زیرا نویسنده‌اش دشمنی با خدا را برگزیده و فرد بی‌ارزش است و عذاب الهی او را در بر خواهد گرفت. گفتنی است هنگامی که پیک نزد ابن زیاد بازگشت و رفتار امام را گزارش داد، وی بسیار خشمگین شد و در صدد انتقام و سخت‌گیری‌های بیشتر بر آمد.

## تشکیل حکومت اسلامی

### اشاره

یکی از وظایف رهبران الهی تشکیل حکومتی است که بر پایه آیین آسمانی شکل گیرد و با هدف شکوفایی استعدادهای انسانی و بالندگی دین و ارزش‌های آن به ساماندهی امور مردم پردازد. امام حسین (ع) نیز پس از مرگ معاویه و استقبال مردم عراق از امامت و دولت آن حضرت زمینه را برای تشکیل حکومت اسلامی مساعد یافت این حقیقت را برخی از سخنان سید الشهداء (ع) آشکار می‌سازد که برای نمونه چند مورد آن را بررسی می‌کنیم

### نامه‌ای به مردم بصره

امام حسین (ع) پس از ورود به مکه نامه‌ای بدین مضمون برای مردم بصره نوشت «أما بعد، فان الله اصطفى محمداً من خلقه و أكرمه بنبوته و اختاره لرسالته ثم قبضه اليه وقد نصح لعباده و بلغ ما أرسل به و كُنَّا أهله و أوليائه و أوصيائه و ورثته و أحق الناس بمقاسه في الناس فاستأثر علينا قومنا بذلك فرضينا و كَرِهنا الفرقة و أحببنا العافية و نحن نعلم انا أحقُّ بذلك الحقَّ المستحقَّ علينا ممن تولاه و قد بعثت رسولاً اليكم بهذا الكتاب و أنا أدعوكم الى كتاب الله و سنته نبيه فان السنة قد أميتت و البدعة قد أُحييت فان تسمعوا قولی أهدكم الى سبيل الرشاد، والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته پس از حمد و ثنای الهی بی‌تردید، خداوند، حضرت محمد را از میان آفریدگانش برگزید و او را به نبوت و رسالت کرامت بخشید. سپس در حالی که او وظیفه الهی و ابلاغ رسالتش را ناصحانه و خالصانه انجام داده بود، او را به ملکوت اعلا برد و جانش را گرفت ما اهل بیت وصی و وارث او و سزاوارترین مردم برای جانشینی او بودیم ولی گروهی بر ما پیشی جستند و حق ما را ربودند، ما با آگاهی از شایستگی خویش بر آنان برای سلامتی جامعه و پیشگیری از هرگونه فتنه و آشوبی بدان تن دادیم و آرامش جامعه اسلامی و احیای دین خدا را بر دستیابی به حق خویش پیش انداختیم اکنون پیک خود را با نامه‌ای به سوی شما گسیل می‌دارم و شما را به سوی قرآن و سنت پیامبر (ص) فرا می‌خوانم زیرا در شرایطی هستیم که سنت نبوی مرده و نابود شده و جای آن را بدعت‌ها فرا گرفته است اگر دعوت مرا بپذیرید، راه رشد و سعادت را به شما می‌نمایانم درود و رحمت و برکت خدا بر شما باد». رهبر آزادگان در این نامه ضمن دعوت از مردم بصره برای قیام علیه حکومت امویان و مبارزه با بدعت‌ها و انحراف‌ها، حکمت سکوت خاندان رسالت را در برهه‌ای از زمان پیشگیری از فتنه و آشوب در جامعه اسلامی خواننده شایستگی خودش را برای خلافت و تشکیل حکومت دینی به روشنی بیان می‌فرماید.

### پاسخ نامه‌های مردم کوفه

از آنجا که مردم کوفه از ستم امویان به تنگ آمده بودند، وقتی از مرگ معاویه و ورود امام حسین (ع) به مکه و مخالفت او با خلافت یزید و خودداری از بیعت با او خبردار شدند، نامه‌های گوناگونی برای آن حضرت نوشتند و آمادگی خودشان را برای

پذیرفتن رهبری و امامت سیدالشهدا (ع) به روشنی بیان کردند و وعده پشتیبانی از دولت حسین را جار زدند وقتی نامه‌ها به دست امام (ع) رسید، در پاسخ آن‌ها چنین نگاشت «بسم الله الرحمن الرحيم من الحسين بن علي الى الملا من المؤمنين والمسلمين اما بعد فان هانياً و سعیداً قدما علی بکتبکم و کانا آخر من قدم علی من رسلکم و قد فهمت کل الذی قصصتم و ذکرتم و مقاله جلیکم انه لیس علینا امام فاقبل لعل الله یجمعنا بک علی الهدی و الحق؛ و قد بعثت الیکم اخی و ابن عمی و ثقتی من اهل بیتی و امرته ان یکتب الی بحالکم و امرکم و رأیکم فان کتب انه قد اجتمع رأی ملاکم و ذوی الفضل و الحجی منک علی مثل ما قدم علی به رسلکم و قرأت فی کتبکم اقدم علیکم و شیکا ان شاء الله. فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب و الاخذ بالقسط و الدائن بالحق و الجالس نفسه علی ذات الله، والسلام». «به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر، از حسین بن علی به بزرگان و سرشناسان اهل ایمان و اسلام پس از حمد و ثنای الهی آخرین نامه شما را توسط هانی و سعید دریافت کردم و به مقاصد شما پی بردم درخواست شما در نامه‌هایتان این بود که ما امام و رهبری نداریم به سوی ما بشتاب تا خداوند ما را به وسیله تو به حق رهنمون سازد. اکنون برادر دینی و پسرعمویم (مسلم بن عقیل و مطمئن‌ترین فرد خاندانم را به سوی شما گسیل می‌دارم و به او فرمان داده‌ام که از نزدیک با آرا و افکار شما آشنا شود و گزارش آن را به اطلاع من برساند. اگر خواسته توده مردم و آگاهان و خردورزان شما همان باشد که در نامه‌ها به من نوشته‌اید و پیک‌های شما به من گفته‌اند، من نیز اگر خدا بخواهد، به زودی به سوی شما حرکت می‌کنم به خدا سوگند! پیشوای بر حق فقط کسی است که به کتاب خدا عمل کند، دادپیشه باشد، سر به حق بسپارد و جانش را وقف خدمت به دین ذات اقدس الهی کند».

### سخنرانی برای سپاه حر

کاروان نور و ایثار در منزل «شراف فرود آمده بود که سپاهیان ظلم و ظلمت از راه رسید. حر بن یزید ریاحی به فرماندهی هزار نفر از مردان کوفه برای کنترل و دستگیری امام حسین (ع) حرکت کرده بود. هنگام اذان ظهر شد و حضرت به حجاج بن مسروق دستور داد تا اذان بگوید آنگاه به حر گفت تو با ما نماز می‌خوانی یا با سپاهیان حر در پاسخ گفت همگی با هم نماز می‌خوانیم پس از برگزاری نماز جماعت سیدالشهدا (ع) به سخنرانی پرداخت و فرمود: «یا ایها الناس انھا معذرة الی الله و انی لم آتکم حتی اتنی کتبکم و قدمت بهار سلکم ان تقدم علینا فانه لیس لنا امام و لعل الله ان یجمعنا بک علی الهدی فان کنتم علی ذلک فقد جئکم فأعطونی ما اطمئن به من عهدکم و موثیقکم وان کنتم لمقدمی کارهین انصرف عنکم الی المكان الذی جئت فیہ الیکم ای مردم این سخنان من به جهت اتمام حجت بر شماست تا در پیشگاه خداوند نیز مسؤولیتی نداشته باشم من بی‌جهت به سوی شما نیامدم اگر بدین نوشته‌هایتان وفادارید، اکنون من آماده‌ام و شما نیز با من پیمانی استوار ببندید و مرا از همکاری خودتان مطمئن سازید (تأحکومت دینی را بر پا و حکومت یزیدی را سرنگون کنیم و اگر از آمدن من ناخرسندید، من حاضریم به محلی برگردم که از آن جا آمده‌ام».

### دومین سخنرانی امام

همچنین پس از برگزاری نماز عصر در منزل «شراف، امام (ع) برای دومین بار سخنرانی کرد و فرمود: «أما بعد، ایها الناس فانکم ان تتقوا الله و تعرفوا الحق لاهله یکن أَرْضی الله عنکم و نحن أهل بیت محمد (ص) اولی بولایة هذا الامر علیکم من هؤلاء المدعین ما لیس لهم و السائرین فیکم بالجور و العدوان و ان أیتیم الا الکراهة لنا و الجهل بحقنا و کان رأیکم الان غیر ما اتنی به کتبکم انصرف عنکم ای مردم اگر از خدا بترسید و حق را به حق دار بدهید. برای خداوند پسندیده‌تر است ما دودمان حضرت محمد (ص) برای تشکیل حکومت دینی و احراز ولایت و رهبری مردم از خاندان امیه سزاوارتریم آنان که به ناحق مدعی این مقام هستند و همواره در



راه ستم و تجاوز گام برمی‌دارند، اگر در رویگردانی از ما و شناختن حق ما پا می‌فشارید و از نوشته‌ها و دعوت‌نامه‌های خودتان دست برداشته‌اید، من حرفی ندارم و از همین جا برمی‌گردم»

## دو یاد سپاری مهم

۱- از این سخنرانی‌های سرور آزادگان به روشنی بر می‌آید که امویان فاسد و مفسد، هیچ‌گونه صلاحیتی برای تصدی خلافت را ندارند و تنها خاندان رسالت سزاوار به دست گرفتن زمام حکومت دینی است لیکن در این میان پرسشی است که باید بدان پرداخت اگر سپاهیان کوفه آن حضرت را رها می‌کردند، او از مبارزه دست بر می‌داشت و به مدینه باز می‌گشت در پاسخ باید گفت این سخنان حضرت جنبه اتمام حجت دارد که با هشدار دادن به آنان و طرح دعوت‌نامه‌هایشان دل خفته آنان را بیدار و ضمیر خاموش آنان را روشن سازد تا هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. ۲- خداوند، ولی و اختیاردار همه جهان هستی به ویژه انسان است چون آفریدگار اوست و ولایت امت اسلامی از سوی خداوند به پیامبر (ص) واگذار شده است (التَّيْبِيُّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَرَسُولُ خُودَا (ص) سَكَّةَ اِيْنَ وِلَايَتِ رَا دَر مَوَارِدِ گُوْنَا گُوْنَا مَانَنْد «غدير خم به نام علی ابن ابی طالب (ع) و فرزندان او زد. پس ولایت و امامت الهی جای گفت و گو نیست محور سخن رهبری ظاهری و به دست گرفتن قدرت اداره جامعه است بسی روشن است که اگر مردم آمادگی بیعت نداشته باشند، هیچ امامی حکومت اسلامی را نمی‌تواند بر پا کند؛ مگر علی بن ابی طالب (ع) به همین دلیل ۲۵، سال خانه نشین نشد؛ مگر تشکیل حکومت علوی پس از بیعت مردم نبود؟ آری مشروعیت ولایت و امامت اهل بیت (ع) از سوی خداوند است و مردم در این زمینه هیچ‌گونه نقشی ندارند، ولی مقبولیت حکومت آنان در گرو پذیرش و بیعت مردم است و اگر مردم آمادگی بیعت نداشته باشند، این تکلیف از رهبران الهی ساقط است هرچند آنان هیچ‌گاه از تشکیل حکومت عدل غفلت نمی‌ورزند و همواره در صدد زمینه‌سازی برای برپایی آن هستند. از این رو امام حسین (ع) به آنان فرمود: «اگر دست بیعت با من می‌دهید و در برپایی حاکمیت دینی مرا یاری می‌کنید، من نیز با شما هماهنگ می‌شوم و همراه شما می‌کوشم تا ناهلان را از مسند قدرت پایین بکشیم ولی اگر شما چنین نظری ندارید، پس چنین تکلیفی بر من نیست نه بدین معنا که از مبارزه دست بر می‌دارم و حاکمیت یزید را به رسمیت می‌شناسم هرگز، بلکه بدین معنا که از وعده همکاری شما برای تشکیل دولت اسلامی قطع امید می‌کنم و راه دیگری را در مبارزه علیه طاغوت زمان پیش روی خود قرار می‌دهم آری عزت و افتخار حسینی در این است فَتَقْتَلُ امْرَأًا بِالسَّيْفِ فِي اللّٰهِ اَفْضَلُ سَامُضِي وَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلٰى الْفَتٰى هِيَهَاتَ مِنْ الدَّلٰه لَا اَعْطِيَهُمْ بِيَدِيْ اَعْطَاءَ الدَّلٰلِ وَلَا اَفْرَمْنَهُمْ فَرَارِ الْعِيْدِ» با این همه آیا او حکومت ننگین امویان را به رسمیت می‌شناسد و از مبارزه با آنان دست می‌کشد؟ همچنین در سخنرانی امام (ع) در منزل «بیضه آمده است «... وَقَدْ اَتْنِيْ كِتٰبِكُمْ وَقَدِمْتَ عَلٰى رَسَلِكُمْ بِيَعْتِكُمْ اِنْكُم لَا تَسْلَمُوْنِيْ وَلَا تَخْدَلُوْنِيْ فَاِنْ اَتَمْتُمْ عَلٰى بِيَعْتِكُمْ تَصِيْبُوْا رَشْدَكُمْ فَاَنَا الْحَسِيْنَ بِنِ عَلِيٍّ وَابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُوْلِ اللّٰهِ (ع) نَفْسِيْ مَعَ اَنْفُسِكُمْ وَ اَهْلِيْ مَعَ اَهْلِيْكُمْ وَ لَكُمْ فِيْ اَسْوَةٌ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوْا وَ نَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَ خَلَفْتُمْ بِيَعْتِيْ مِنْ اَعْنَاقِكُمْ مَا هِيَ لَكُمْ بِنَكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوْهَا بِاَبِيٍّ وَ اَخِيٍّ وَ ابْنِ عَمِيٍّ مُسْلِمٍ پيام شما در نامه‌ها و زبان پیک هایتان این بود که با من بیعت کرده‌اید تا علیه یزید مبارزه کنیم و مرا در برابر دشمن تنها نگذارید و دست از یاری من برندارید؛ پس اگر به عهد خودتان وفادار باشید، به سعادت و رشد دست می‌یابید؛ زیرا من حسینم فرزند علی و فاطمه دختر پیامبرتان در این صورت من و خانواده‌ام در کنار شما و خانواده هایتان خواهم بود و میان من و شما هیچ‌گونه فاصله و طبقه‌ای نخواهد بود و من الگو و رهبر شما خواهم شد و اگر پیمان خود شکستید و از بیعت با من تخلف ورزیدید، این عمل شما پیشینه دارد. به خدا سوگند! شما با پدرم علی (ع) و برادرم حسن (ع) و پسر عموم مسلم نیز چنین کردید»

سخن از بیعت گفتن و آن را چندین بار تکرار کردن برای تفهیم این معناست که من و شما هم پیمان شدیم تا من رهبر شما باشم و حکومت امویان را سرنگون و دولت اسلامی را برپا کنیم پس این همه وعده‌ها کجا رفت

## جایگاه والای امر به معروف و نهی از منکر

### اشاره

احیای امر به معروف و نهی از منکر و آموزش آن دو به امت اسلامی یکی از مقاصد آن حضرت به شمار می‌رود: «اللهم انی أحب المعروف و أنکر المنکر». بی‌شک نخستین سنگ بنای هر جامعه‌ای «قانون است و بدون آن دستیابی به فلاح و رستگاری و ساحل امن خیالی است خام لیکن «قانون به تنهایی بس نیست بلکه باید مجری آگاه و ناظر امینی نیز در کار باشد. در تمامی نظام‌های سیاسی فرد یا گروهی مأمور اجرای قانون و نیز نظارت بر چگونگی اجرای آن هستند؛ اما در نظام سیاسی اسلام افزون بر برگزیدگان خاص تعریف شده قانونی تمامی افراد جامعه اسلامی وظیفه نظارت بر اجرای قانون و پاسداری از حریم آن را بر عهده دارند. این نظارت عمومی اسلامی که وظیفه بسیار سترگ و سنگین و ضامن اجرای عدل و داد و دستیابی آحاد جامعه به کمال و سعادت است «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد. با تأسف فراوان این نسخه شفابخش و این فریضه گران سنگ به وادی فراموشی سپرده شده یا در سایه عدم آگاهی از شرایط شیوه‌ها و مراتب آن به زهر کشنده و نسخه ویرانگری بدل گشته است زیرا آن که بدون شناخت رویکرد به عملی داشته باشد، چون رونده‌ای است که در مسیر غلط حرکت می‌کند و هر چه شتابش بیش دوری از مقصد و گمراهی‌اش بیشتر است «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعه السیر الا بعداً». به راستی ریشه این سهل انگاری و فراموش کاری چیست امام باقر (ع) در سخن نورانی اش به این پرسش پاسخ می‌دهد و آن را «دنیا دوستی و لذت جویی می‌داند: «یکون فی آخر الزمان قوم یتبع فیهم قوم مُرائون یتقرّون و یتسکون حیدثاء سفهاء، لا یوجبون أمراً بمعروف و لا نهياً عن منکر، الا اذا أمنوا الضرر، یطلبون لانفسهم الرخص و المعاذیر، یتبعون زلأه العلماء و فساد عملهم یقبلون علی الصیلاه و الصیام و مالا یکلّمهم فی نفس و لا مال و لو أضرت الصیلاه بسائر ما یعملون بأموالهم و أبدانهم لرفضوها کما رفضوا أسمى الفرائض و أشرفها؛ در آخر الزمان گروهی پدیدار می‌گردند که ریاکاران و عابد نمایان و نادانان تازه به دوران رسیده را الگوی خود می‌دانند و از آنان پیروی می‌کنند. آنان فرمان دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها را واجب نمی‌شمارند، مگر زمان که از این طریق آسیب نینند همواره در پی راه گریز و بهانه جویی و عذر تراشی هستند. دنبال عیب جویی و جست و جوی لغزش‌های دانشمندان و آشکار ساختن رفتارهای زشت آنان هستند رویکرد آنان به نماز و روزه و سایر اعمالی است که به مال و جانشان آسیب نرساند، لیکن اگر نماز نیز به مال و جان آنان ضرری داشته باشد، از آن گریزانند، همان گونه که بلند پایه‌ترین و گران سنگ‌ترین واجبات (امر به معروف و نهی از منکر) را رها کرده‌اند».

### مهم ترین ویژگی جامعه اسلامی

قرآن مجید، مهم‌ترین ویژگی حکومت اسلامی و جامعه دینی را رواج و گسترش فریضه ارجمند امر به معروف و نهی از منکر می‌شمارد (کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) (ولینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز - الذین ان مکناهم فی الارض أقاموا الصیلاه و اتوا الزکاة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور). همچنین خداوند سبحان یکی از ویژگی‌های برجسته پیامبر اکرم را در کتاب‌های تورات و انجیل - که بشارت آمدن او را داده‌اند - امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند: (الذین یتبعون الرسول النبی الامی الّذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراه و الانجیل یا مرهم بالمعروف و ینهیهم عن

المنکر)

**حقیقت والای امر به معروف****اشاره**

واژه «امر و نهی به معنای» فرمان دادن و بازداشتن است ناگفته پیداست که همگان دارای چنین مقامی نیستند و صلاحیت دستور دادن را ندارند؛ زیرا دستیابی به جایگاهی که حرف انسان سکه قبولی خورده مطلوب و محبوب دیگران باشد، بسیار دشوار است از این رو، باید بسیاری از موارد مشابه را ارشاد و نصیحت و موعظه نامید، نه فرمان به فعل و بازداشتن از کاری گفتنی است که این هم در جای خود، وظیفه همگانی و کاری بسیار ارزشمند است و برکات فراوانی نیز در پی دارد. بنابراین اگر کسی از چنین موقعیت اجتماعی مقبولی برخوردار باشد، وظیفه او سنگین و ایفای رسالتش پیچیده‌تر و دشوارتر است او لحظه‌ای نمی‌تواند درنگ کند و شاهد ترک معروف یا فعل منکری در جامعه اسلامی باشد و گرنه در پیشگاه ذات اقدس الهی مسؤول و معاقب خواهد بود. در پایان باید گفت خداوند والا، نوعی ولایت مؤمنان بر یکدیگر را در این آیه کریمه بیان کرده است (المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر...) پس با استناد به این آیه لزوم رویکرد به امر و نهی را می‌توان ثابت کرد.

**زیباترین راهکار****اشاره**

اصولاً در فرهنگ وحی امر به معروف و نهی از منکر، یک حرفه نیست بلکه هنری تربیتی و سنگری برای دفاع از دین است احیاگر معروف هنرمند این صحنه انسان سازی و مجاهد نستوه این میدان مبارزه است و هدفی جز اصلاح و تکامل و رشد تک تک افراد جامعه را دنبال نمی‌کند. شایان توجه است که فرمان دادن به زیبایی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها، تحمیل یک فکر نیست بلکه نوعی احیای تفکر و خیزش انگیزش است و در حقیقت به گونه‌ای اتمام حجت است که در جهت پاسداری از مرزهای دینی و ایجاد وحدت و اتحاد مبتنی بر پند و نصیحت است که با بهترین و مستدل‌ترین شیوه‌ها انجام می‌شود: (أبلغکم رسالات ربی و أنصح لکم). (ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن. از این رو محور تمامی دستورهای دینی بستر سازی مناسب برای ایجاد پاکی و پاکیزگی انسان‌ها و خشکاندن زمینه‌های انحراف و آلودگی است بی‌شک معروف بذر پاکیزه‌ای است که برای رشد و بالندگی اش شرایط ویژه‌ای نیاز دارد، همان‌گونه که گناه نیز تخم گندیده و میکروب هستی سوزی است که برای بقای حیاتش زمینه مساعدی می‌طلبد. پس برای احیای فریضه گران پایه امر به معروف و نهی از منکر، فراهم آوردن زمینه‌های رشد معروف و افول منکر، بسیار ضروری است زیرا آن که بذر قیمتی را در زمینی شوره زار بریزد، انرژی خود را هدر داده سرمایه‌اش را تلف کرده است بنابراین زیباترین و بهترین شیوه کارآمد، رویکرد به اقدامات علمی و عملی برای از میان برداشتن منکر و گسترش معروف در جامعه است که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

**تلاش‌های علمی و آموزشی**

از آنجا که حکمت برانگیخته شدن پیامبران و هدف از مجاهدتهای صالحان هدایت کردن انسانهاست ساماندهی زمینه‌هایی برای آموزش آنها از مهمترین وظایف رهبران الهی است از این رو، باید توده مردم به ویژه نسل جوان با دستورهای کتاب آسمانی و سیره اهل بیت عصمت و طهارت و کوششهای مستمر آنان درباره احیای واجب سترگی چون امر به معروف آشنا شوند. در این زمینه

به چند نمونه بسنده می‌کنیم ۱. امام علی می‌فرماید: «وما أعمال البئر کَلَّها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کفثة فی بحر لُجی» چنانچه اعمال صالح را بایکدیگر ارزیابی کنیم و تمامی آنها را در یک کفه ترازو قرار دهیم حتی گل سرسبد کردارهای نیکو که همان حضور در جبهه‌های نبرد و میدان جهاد است و امر به معروف را در کفه دیگر آن بگذاریم کفه دوم بسیار سنگین می‌شود. همه کارهای عبادی انسان در مقابل فریضه ارجمند امر به معروف مانند کفی بر روی اقیانوس بیکرانی است که هیچ گونه مقایسه‌ای میان آنها، شدنی نیست ۲. امام باقر می‌فرماید: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصّیلمحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یرتقم الامم؛ فرمان دادن به خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها راه پیامبران و شیوه صالحان است آن دو، عامل تحقق امنیت فرهنگی اقتصادی و اجتماعی است اجرای احکام الهی و دستورات دینی برقراری عدالت اجتماعی امنیت سازندگی استواری و پایداری نظام اسلامی و سلامت اقتصادی و برچیده شدن ظلم و ستم همه و همه از برکات احیای این فریضه بس بزرگ است ۳. پیامبر اکرم در ایام خردسالی اش که در کنار حلیمه سعیدیه به سر می‌برد، از مادرش پرسید: برادرانم کجا می‌روند؟ او گفت آنان گوسفندان را به بیابان و چراگاه می‌برند. حضرت فرمود: «یا أمّاه ما أنصفتنی ای مادر! انصاف به خرج ندادی. آنگاه در پاسخ حلیمه که علت را جویا شد، حضرت این گونه پاسخ داد: «أکون أنا فی الظلّ و اخوتی فی الشمس و الحرّ الشدید و أنا أشرب منها اللبن چگونه است که من در سایه بیاسایم و برادرانم در زیر آفتاب و گرمای سوزان آن باشند و من از شیر آن گوسفندان بیاشامم ۴. پس از انعقاد پیمان حدیبیه و پیمان شکنی مشرکان مکه ابوسفیان به فکر چاره افتاد و برای تجدید پیمان و عذرخواهی از پیامبر، مخفیانه وارد مدینه شد و به دنبال واسطه‌ای بود که مقبول آن حضرت باشد. نخست در خانه علی بن ابی طالب (ع) را زد و تقاضایش را با او در میان گذاشت ولی آن بزرگوار نپذیرفت در این هنگام ناگهان چشمش به حسن بن علی (ع) افتاد که در کنار مادرش زهراس نشسته است ابوسفیان با اشاره به حسن (ع)، خطاب به فاطمه س گفت ای دختر محمد (ص)! از این کودک بخواه تا نزد پدر بزرگش از ما شفاعت کند تا عرب و عجم رهین منت خویش سازد و برهمگان سروری یابد. آنگاه امام حسن (ع) جلو رفت و یک دست خود را بر بینی آن ملعون مکار نهاد و با دست دیگرش ریش وی را گرفت و فرمود: «یا أباسفیان قل لا اله الا الله، محمد رسول الله، حتی أکون شفیعاً».

### اقدامات عملی

برای زدودن منکرات از چهره زیبای جامعه اسلامی و واداشتن افراد به رعایت حدود الهی تنها به گفتار نمی‌توان بسنده کرد بلکه افزون بر آموزشهای علمی رویکردهای عملی مناسبی را باید در پیش گرفت خداوند بزرگ به مسلمانان فرمان داده است که هنگام لزوم با اقدامات عملی حساب شده از شکسته شدن مرزهای دین الهی جلوگیری کنند. شاید برخی گمان کنند که مراد از اقدامات عملی کارهای خشونت آمیزی مانند زدن و دستگیر کردن و... باشد، ولی مقصود ما زمینه سازی بنیادین برای احیای معروف و مرگ منکر در جامعه است که آن را در سه محور خلاصه می‌کنیم ۱. خشکاندن زمینه‌های گناه و آلودگی درمان مشکلات اقتصادی فقر، وضعیت ناگوار و ناپسندی است که زمینه بسیاری از گناهان را فراهم می‌کند. رسول خدا (ص) فرمود: «کاد الفقر أن یکون کفراً». بسیاری از مفاسد اقتصادی زاینده فقرند؛ یعنی اگر گناهکار، فقیر نبود، به این راهها کشیده نمی‌شد. بدین جهت ائمه اطهار (ع)، امر به معروف و نهی از منکر را با کمک‌های مالی همراه می‌کردند. پیامبر اسلام پس از فتح اعجاز آمیز مکه همه دشمنان خویش و سران قریش را امان داد و چون غزوه حنین رخ داد و مردمان مکه او را در این نبرد همراهی کردند، حضرت پس از تقسیم عمومی غنائم جنگی ۱۵ آن را که سهم خودش بود، به سران مکه بخشید که بسیاری از آنان دشمنان دیرینه او بودند. امام کاظم (ع) در این زمینه می‌فرماید: «آنان گروهی بودند که خدا را به یگانگی پذیرفته بودند و پرستش غیر خدا را رها ساخته بودند، ولی اعتقاد

به نبوت حضرت محمد (ص) در دلشان رسوخ نکرده بود، از این رو، پیامبر با آنان انس می‌گرفت .. بخشی از صدقات و غنایم جنگی را به آنان می‌بخشید تا شناخت راستین و تمایل به دین الهی در دلشان پدید آید.» ابن عباس در تفسیر آیه شریفه (رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و اقام الصلاة چنین می‌گوید: «به خدا سوگند! مراد از این آیه علی بن ابی طالب است زیرا روزی رسول خدا سیصد دینار به ایشان هدیه کرد، او دینارها را گرفت و با خود گفت به خدا سوگند! من امشب با این پولها صدقه‌ای خواهم داد که خداوند از من بپذیرد. از این رو، پس از نماز عشا از مسجد بیرون آمدم و زنی را دیدم که از من کمک طلبید؛ صد دینار به او دادم ولی چون فردا صبح پیش مردم آمد، آنان به یکدیگر می‌گفتند: علی دیشب به یک زن آلوده صدقه داده است سخت اندوهگین شدم و فردا شب که نماز عشا را خواندم صد دینار دیگر برداشتم و با خود گفتم به خدا سوگند! امشب صدقه‌ای خواهم داد که خداوند از من پذیرا باشد. آنگاه مردی را دیدم و دینارها را به او دادم فردا صبح از مردم شنیدم که چنین می‌گفتند: علی دیشب به یک دزد، صدقه داده است بسیار غمگین شدم و محضر رسول خدا شرفیاب شدم و داستان را بازگو کردم حضرت فرمود: اکنون جبرئیل از سوی خدا خبر آورد که صدقات تو پذیرفته شده است زیرا آن زن آلوده و مرد دزد، پس از بازگشت به خانه از گناهانشان توبه کردند و با همان صد دینار به کسب و تجارت پرداختند و آن مرد ثروتمند که چندین سال زکات مالش را نداده بود، خودش را سرزنش کرد و گفت من چقدر بخیل هستم با این که علی مالی ندارد، صد دینار صدقه می‌دهد، ولی سالهاست که من زکات بدهکارم و سرانجام توبه کرد و زکاتش را پرداخت ای علی خداوند درباره صدقه تو، این آیه را فرو فرستاد.» ۲. برچیدن شهوات و زمینه‌های فساد جنسی فساد در جامعه چون آتشی است که همگان در آن می‌سوزند و همه ارزشهای دینی و انسانی در این آتش خاکستر می‌شود. تنها راه مبارزه با این مشکل اجتماعی اجرای حدود یا امر و نهی گفتاری و زندان و شلاق نیست گرچه همه اینها لازم است غریزه قدرتمند شهوت را با سفارش‌ها و نصایح اخلاقی و نیز شلاق نمی‌توان مهار کرد، تا زمانی که راه ازدواج برای جوانان بسته است و گردنه‌های سختی پیش روی آنان نهاده شده است فساد اخلاقی و جنسی جوانان اجتناب‌ناپذیر است پسندیده‌ترین راه برای پاک شدن جوانان و رهیدن آنان از دام غریزه تند خوی شهوت فراهم کردن زمینه ازدواج آنان است امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردی را که استمنا کرده بود، نزد امام علی (ع) آوردند. حضرت چنان با شلاق به دستهای او زد تا سرخ شد، آنگاه از بیت المال هزینه ازدواج او را پرداخت و او را همسر داد.» ۳. نابودسازی زمینه‌ی فکری گناه گناه با پیشگیری‌های برنامه ریزی شده منکرات بسیاری را می‌توان برطرف کرد یا از شدت و کثرت آن کاست هنگامی که احتمال می‌رود برخی از سخن یا رفتار کسی برداشت ناروا کنند یا به اشتباه بیفتند، باید این زمینه را نابود کرد. در سیره معصومان می‌بینیم که پیامبر، برای پیشگیری از گمراهی مردم در زمان حیاتش علی بن ابی طالب را «امیرالمؤمنین خواند و گروهی از اصحابش را فرمان داد تا با این عنوان به وی سلام کنند. در پایان فرمود: «شما را برای این دعوت کرده بودم که شاهدان خدایی باشید؛ خواه این شهادت را به دیگران برسانید یا آن را پنهان سازید.» همچنین امام صادق (ع) برای پیشگیری از گمراهی مردم و نیفتادن در دام بدعت‌گذاران هنگام مرگ پسر بزرگش اسماعیل گروهی از یارانش را جمع کرد و چندین بار (هنگام غسل دادن کفن کردن دفن کردن از آنان گواهی گرفت که فرزندش اسماعیل مرده است آنگاه دست فرزند کوچکش موسی را گرفت و فرمود: «او حق است و حق با اوست و از اوست تا زمانی که خداوند زمین و آنچه را در زمین است به ارث برد.» همچنین امام کاظم (ع) در مراسم حج به زیاد قندی فرمود: «ای زیاد! این فرزندم علی سخنش سخن من و کردارش کردار من است هرگاه نیازی داشتی از او بخواه و سخنش را بپذیر، او چیزی جز حق را به خداوند نسبت نمی‌دهد.» گفتنی است سرانجام زیاد قندی از سران فرقه واقفیه شد، به او گفتند، مگر تو خودت سخن امام کاظم را درباره فرزندش علی نقل نکردی وی گفت اکنون وقت این حرفها نیست ..

در قرآن مجید و روایات اهل بیت پادشاه‌های فراوانی برای احیاگران امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است که به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم ۱- پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ احْيَاكَرِ اَيْنَ فَرِيضَهُ وَالَا، شايستگی رسیدن به مقام گرامی خلافت خدا، رسول و قرآن را پیدا کرد». ۲- نیز از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «أَلَا- أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا- شُهَدَاءَ، يَغْبِطُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الْأَنْبِيَاءَ وَالشُّهَدَاءَ بِمَنَازِلِهِمْ مِنْ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ يُعْرَفُونَ؟ قَالُوا: وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ أَعْلَى اللَّهِ وَيُحِبُّونَ اللَّهَ أَعْلَى عِبَادِهِ. قُلْنَا: هَذَا حَبَّبُوا اللَّهَ أَعْلَى عِبَادِهِ، فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ أَعْلَى اللَّهِ؟ قَالَ: يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ فَأَذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» آیا مردمانی را به شما معرفی کنم که از سلسله پیامبران و شهیدان نیستند، ولی دارای مقامات نورانی و بلندی هستند که همگان به آن غبطه می‌ورزند؟ یاران گفتند: آری یا رسول الله. فرمودند: آنان که بندگان خدا را محبوب خدا و خدای بزرگ را محبوب بندگان می‌کنند، حرکت آنها در زمین آمیخته با نصیحت و ارشاد است گفته شد: ای پیام آور حق و حقیقت معنای جمله دوم روشن است که ذات اقدس الهی را معرفی می‌کنند و محبت او را در دل‌های مردم زیاد می‌گردانند؛ لیکن مفهوم جمله اول برای ما روشن نیست چگونه بندگان خدا را محبوب او می‌گردانند؟ فرمودند: به آنها فرمان می‌دهند تا اعمالی را که خدا دوست دارد، انجام دهند و کارهایی را که او نمی‌پسندد، ترک کنند و هنگامی که مردم به سخنان و ارشادهای آنها جامه عمل پوشانند، خداوند سبحان چنین مردمی را دوست می‌دارد.

### پیامدهای شوم ترک نهی از منکر

از آنجا که این دو فریضه گرانسنگ از اهمیت ویژه فردی و اجتماعی برخوردار است ترک آن دو نیز پیامدهای شومی را در بردارد. در این زمینه به روایات زیر توجه فرمایید: ۱. تغییر فرهنگ عمومی جامعه امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی رسول خدا (ص) به مردم گفت چگونه است حال شما، هنگامی که زنانان فاسد و جوانان فاسق می‌شود و شما امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید؟ مردم گفتند: آیا چنین چیزی شدنی است پیامبر (ص) فرمود: بدتر از آن خواهد شد؛ چگونه است حال شما، زمانی که به منکر، فرمان می‌دهید و از معروف باز می‌دارید؟ مردم گفتند: آیا چنین چیزی شدنی است رسول خدا (ص) فرمود: آری بدتر از این نیز رخ خواهد داد؛ چگونه است حال شما، آنگاه که معروف را منکر و منکر را معروف می‌شمارید؟ ۲. چیرگی فساد و حاکمیت فاسدان و مفسدان ۳. عدم استجاب دعا: امام علی (ع) فرمود: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ». ۴. هرج و مرج اجتماعی و گرفتاری در منجلاب‌های فساد. ۵. رخت بر بستن برکات از جامعه رسول خدا (ص) فرمود: «همواره امت من در میان زیبایی‌ها و نیکیه‌ها هستند، تا زمانی که به معروف فرمان دهند و از منکر، باز دارند و در نیکوکاری همدیگر را یاری دهند، لیکن هنگامی که چنین نکردند، برکات از جامعه آنان برچیده می‌شود، هرج و مرج در جامعه رواج می‌یابد و به گونه‌ای گرفتار می‌شوند که کسی به یاری آنان نمی‌شتابد».

### برکات احیای امر به معروف

همان گونه که ترک آن دو، پیامدهای شومی را در بردارد، احیای آن دو نیز برکات بسیار خوبی را برای فرد و جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد. در این زمینه نیز برخی از روایات را بررسی می‌کنیم ۱. دلگرمی مؤمنان و نگرانی کافران «فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوْفَ الْكَافِرِينَ». ۲. پایداری دین و ضمانت اجرایی برای احکام آن امام علی (ع) فرمود: «قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ». ۳. حاکمیت زیبایی‌ها در جامعه رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ...». همچنین امام باقر (ع) فرمود: «ان الامر بالمعروف

والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المکاسب و ترد المظالم و تعمّر الارض و ینتصف من الاعداء و یتقیم الامر».

### توضیح مفهوم و مصداق معروف و منکر

«معروف از ریشه «عرف به معنای شناخته شده و «منکر» از اصل «نکر» به معنای ناشناخته است و در فرهنگ دینی نیز به معنای آن رفتار و گفتاری است که از دیدگاه عقل و نقل مطلوب و پسندیده یا نامطلوب و نکوهیده است بدین مناسبت شایسته است که برخی از مصداق معروف و منکر را از نظر بگذرانیم ۱. معروف فرهنگی تلاش برای ارتقای سطح فکری و آگاهی‌های جامعه به ویژه نسل جوان آسیب‌شناسی‌های فکری و معنوی جوانان آمادگی در برابر تهاجم فرهنگی دشمن بیان ویژگی‌های خودی و غیر خودی و تعیین مرزها... ۲. معروف سیاسی حفظ دستاوردها و ارزشهای انقلاب اسلامی دفاع از کیان نظام اسلامی حضور در صحنه‌های انقلابی صبر و بردباری در مشکلات انقلاب حرمت نهادن به قوانین نظام اسلامی پاسداری از موهبت گرانسنگ ولایت فقیه ۳. معروف نظامی جهاد در راه خدا؛ پاسداری از مرزهای کشور اسلامی تقویت بنیادهای دفاعی کشور؛ فراگرفتن فنون نظامی آمادگی و بسیج همگانی برای دفاع از نظام اسلامی ۴. معروف اداری برخورد شایسته و خدایندانه با ارباب رجوع دقت در حفظ بیت‌المال مسلمانان داشتن نظم و وجدان کاری ۵. معروف علمی بر دانش‌آموزان عزیز و دانشجویان گرامی معلمان و اساتید آنان واجب است که در امر آموزش بسیار بکوشند و فرصت‌ها را غنیمت بشمرند و آموزه‌های سودمند را در اختیار شکوفایی و تکامل نظام اسلامی قرار دهند. همچنین بر طلاب و اساتید حوزه‌های علمیه لازم است علوم الهی را به گونه شایسته به جامعه اسلام عرضه کنند مردم را به حقایق دینی آشنا سازند. ۶. منکر سیاسی تحت تأثیر تبلیغات منفی دشمنان انقلاب قرار گرفتن نشر اکاذیب و پخش شایعه‌های بی‌اساس دل‌سرد و ناامید کردن مردم از نظام و انقلاب بازداشتن مردم از حضور در صحنه‌های سودمند اجتماعی شرارت و فتنه‌انگیزی جاسوسی برای دشمنان نظام حزب‌گرایی و زیر پانهادن منافع ملی اهانت به نظام و رهبری و ولایت فقیه نادیده گرفتن خدمات نظام و برجسته کردن کاستی‌ها؛ حمایت ناآگاهانه یا هوس‌مداران از فرد یا گروهی خاص ۷. منکر فرهنگی عقب‌گرد به سنت‌های دوران طاغوت و احیای مراسم شاهنشاهی مانند چهارشنبه سوری و سیزده بدر و...؛ گرایش به فرهنگ بیگانه فرهنگی و رویکرد به فرهنگ برهنگی ترویج فساد و بدحجابی در جامعه ترویج تن‌پوشهای مبتذل ۸. منکر اداری بی‌نظمی در کار؛ دزدیدن از وقت کاری رشوه‌گیری بی‌حرمتی به مردم و ارباب رجوع ..

### شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

دهها آیه از قرآن مجید، لزوم این نظارت همگانی را ثابت می‌کند؛ لیکن فقیهان بزرگوار، شرایطی را که برگرفته از مجموع آیات و روایات است در وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده‌اند که توجه خوانندگان گرامی را به آنها جلب می‌کنیم ۱. مفهوم و مصداق معروف و منکر را بشناسد. ۲. احتمال تأثیر داشته باشد و گرنه لغو است لیکن مراد از اثر، اثر نقد و بالفعل نیست اگر احتمال دهد که در آینده مؤثر خواهد شد یا از تکرار منکر، پیش‌گیری خواهد کرد یا در بازدارندگی دیگران اثر خواهد داشت یا سبب اتمام حجت بر همگان خواهد شد، نهی از منکر واجب است ۳. تارک معروف و فاعل منکر بر ادامه رفتار پافشاری داشته باشد و گرنه با صدور یک گناه از فردی و توبه از آن دیگران هیچ وظیفه‌ای ندارند. ۴. ضرر و مفسده بزرگ‌تری در کار نباشد؛ این شرط در صورتی است که ضرر جمعی و دینی در میان نباشد و گرنه باید اهم و مهم رعایت شود. ۵. آمر و ناهی باید عادل باشد و به گفته هایش عمل کند؛ این مورد از شرایط کمال است زیرا بدون آن نمی‌تواند در دیگران اثر گذار باشد. در پایان شایسته است که مراتب سه گانه امر و نهی را نیز باز گویم ۱. رفتاری ۲. گفتاری ۳. برخورد عملی مرتبه یکم و دوم همگانی است ولی مرتبه سوم از

اختیارات حکومت اسلامی است و باید زیر نظر فقیه عادل انجام شود. از این رو، باید سازمان جداگانه‌ای شکل گیرد و با نظارت مجتهد عادل این مرحله مهم نیز عملی گردد. عن الحسن بن علی (ع): «ألا ترون أن الحق لا يعمل به و أن الباطل لا يتناهى عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله؛ آیا نمی‌بینید که مردم به حق عمل نمی‌کنند و از باطل رویگردان نیستند؟ در این موقعیت حساس بر هر فرد با ایمانی بایسته است که با دشمنان دین بجنگد و جانش را در این راه قربانی کند و به لقای یار بشتابد.»

### اجرای احکام و حدود دینی و جلوگیری از تعطیلی آنها

یکی از وظایف حاکم اسلامی اجرای احکام نورانی دینی است زیرا دین مجموعه‌ای از اعتقادات و اخلاقیات و احکام عملی است که به وسیله مردان آسمانی از سوی خداوند بزرگ برای هدایت بشر فرود آمده است حراست از دین وظیفه همگان است لیکن رهبران دین رسالتی حساس تر و سنگین تر دارند. از این رو، امام حسین (ع) در لابه‌لای سخنانش این جمله را گوشزد می‌کند که برخی از آنها را بررسی می‌کنیم الف در سخنرانی سرور آزادگان در منزل «بیضه آمده است» «أیها الناس ... ألا وان هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان و ترکوا طاعة الرحمن و أظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفیء و أحلوا حرام الله و حرّموا حلال الله و أنا أحقّ ممّن غیر». آگاه باشید! دودمان پلید امیه به فرمان شیطان در آمده از اطاعت خدای رحمان سرباز زده‌اند، فساد را آشکار ساخته حدود الهی را به تعطیلی کشانده فیء - بخشی از حق که مخصوص خاندان پیامبر است - را به خود اختصاص داده حلال و حرام خدا را جا به جا کرده‌اند. در این موقعیت حساس برای تغییر این همه فساد و منکرات کسی شایسته‌تر از من نیست. ب آغازین روز ورود به کربلا- پس از آن که کاروان نور وایثار در دوم محرم سال ۶۱ هجری به کربلا- وارد شد و خیمه هایش را برافراشت و در آن جا استقرار یافت در نخستین سخنرانی خود در جمع یارانش چنین فرمود: «...ألا- ترون الی الحق لا يعمل به والی الباطل لا يتناهى عنه ليرغب المؤمن في لقاء الله؛ آیا نمی‌بینید که مردم به حق عمل نمی‌کنند و از باطل رویگردان نیستند! در این موقعیت حساس بر هر فرد با ایمانی شایسته است که با خود کامگان بستیزد و جانش را در این راه فدا کند تا به دیدار الهی باریابد.»

### اصلاح طلبی و احیای سنت نبوی و روش علوی

#### اشاره

خدا و رسول و خاندانش از هر گونه فساد بیزار و هر گونه صلاح و اصلاحی را خواستارند. از این رو، رویکرد به صلاح و اصلاح طلبی وظیفه هر فرد با ایمانی است به ویژه رهبران الهی که همه کوشش‌های آنان در این مسیر، رقم می‌خورد. امام حسین (ع) در سخنان نورانی اش این حقیقت را بیان می‌کند که در این زمینه فقط وصیتنامه آن حضرت را با هم مرور می‌کنیم «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أوصی به الحسن بن علی الی أخیه محمد بن الحنفیه أن الحسن یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله جاء الحق من عنده وان الجنة حق و النار حق والساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور، وائی لم أخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی أرید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و أسیر بسیره جدی و أبی علی بن ابی طالب فمن قبلنی بقبول الحق فالله أولى بالحق و من ردّ علیّ هذا، أصبر حتی یقضی الله بینی و بین القوم و هر خیر الحاکمین و هذا وصیتی الیک یا أخی و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه أنیب. امام حسین (ع) پس از بیان عقیده‌اش درباره توحید و نبوت و معاد، اهداف حرکتش را چنین برشمرد: «من نه از روی خودخواهی و خوشگذرانی و نه برای فساد و ستم از مدینه حرکت کردم بلکه تنها هدفم اصلاح مفاسد این امت امر به معروف و نهی از منکر، احیای سنت نبوی و روش علوی است پس هر که این حقیقت را از من بپذیرد و مرا همراهی کند، بی تردید راه خدا پسندانه‌ای را در پیش گرفته است و هر که از من رخ برتابد،



در برپایی این نهضت پایداری می‌کنم تا خداوند میان من و این افراد، داوری کند و او بهترین داوران است برادر من است وصیت من به تو و هر توفیقی از خداست بر او توکل می‌کنم و بازگشتم به سوی اوست .

### اتمام حجت بازگویی حقایق و هوشیار ساختن مردم در برابر رفتارهایشان

#### اشاره

یکی از سیاستهای شوم استکباری به غفلت کشاندن مردم از حقایق جاری زندگی است فردی که هم و غم او فقط پرداختن به شکم و شهوت باشد و از اصول آزاد زیستن و انسان بودن باخبر نباشد، حیوانیست که در سرایشی سقوط قرار گرفته در آستانه درنده شدن است (أولئك كالانعام بل هم أضل) چنین موجودی برای رسیدن به مقاصد مادی و پاسخ‌گویی به غرایز حیوانی‌اش به هرکاری دست می‌زند، هرچند کشتن انسان بی‌گناهی باشد، بلکه بالاتر، گرچه پیامبر یا فرزند او باشد. در چنین موقعیت بحرانی است که باید به فریاد او رسید و آگاهی‌ها و هشدارهای لازم را برای او بیان کرد تا زمینه خروجش از حیوانیت به عالم انسانیت و هدایت به قله‌های سعادت فراهم گردد؛ دست کم حجت بر او تمام شود که در صورت گرفتاری به عذاب و کیفر الهی هیچ‌گونه عذرو بهانه‌ای نداشته باشد. در موارد گوناگون از سخنان نورانی امام حسین (ع) این هدف دنبال شده است که برخی از آنها را بررسی می‌کنیم الف در میان راه مکه به کوفه در منزل «ثعلبیه، مردی خدمت سیدالشهداء (ع) شرفیاب شد و از تفسیر این آیه پرسید: (یوم تدعوا کل أناس بامامهم: «روز رستاخیز هر امتی را با امامش فرا می‌خوانیم. حضرت در پاسخ وی فرمود: «امام دعی الی هدی فأجابوا الیه و امام دعی الی ضلّاه فأجابوا الیه؛ هؤلاء فی الجنة وهؤلاء فی النار و هو قوله تعالی فریق فی الجنة و فریق فی السعیر؛ برخی از رهبران مردم را به راه راست فرا می‌خوانند و گروهی صدایشان را می‌شنوند و از آنان پیروی می‌کنند و برخی از پیشوایان مردم را به راه کج سوق می‌دهند و گروهی نیز به آنان پاسخ مثبت می‌دهند، دسته نخست در بهشت و طایفه دوم در جهنم هستند. این حقیقت را خداوند (در آیه هفتم از سوره شورا) بیان کرده است که انسان‌ها دو نوعند، بعضی در بهشت و برخی در دوزخ. ب در همین مکان مردی به حضور حضرت شرفیاب شد و امام از او پرسید: اهل کدام شهری او گفت اهل کوفه سخنانی میان آن دو مبادله شد و آنگاه به او فرمود: أما والله! لو لقیتهک بالمدينة لاریتک اثر جبرئیل فی دارنا و نزوله بالوحی علی جدی یا أبا اهل الکوفه من عندنا مشتقی العلم أنعلموا وجهلنا؟ هذا مما لا یكون آگاه باش به خدا سوگند! اگر تو را در مدینه می‌دیدم اثر ورد پای جبرئیل را در خانه ما و محلی را که در آن به جدم وحی می‌آورد، به تو نشان می‌دادم ای مرد کوفی خاندان ما سرچشمه علوم است آیا اینان دانایند و ما نادان این شدنی نیست .

#### یاد سپاری

پیدا است که این سخنان نورانی امام (ع) در پاسخ شبهاتی بود که در ذهن آن مرد کوفی جا گرفته بود. متأسفانه در منابع حدیثی و تاریخی از پرسش‌های آن مرد، اثری نیست لیکن از پاسخ امام برمی‌آید که او فردی قشری نگر بوده که حرکت حضرت را علیه حکومت به ظاهر دینی یزید می‌دانست زیرا او یزید را خلیفه مسلمانان می‌شمرد و نبرد با او را نبرد با حاکم دینی می‌پنداشت از این رو، سرور آزادگان با بر شمردن ویژگی‌های خود و خانواده‌اش او را با لایه‌های زیرین دینی آشنا کرد و به او فهماند که کانون‌پیدایش دین و فرود آمدن وحی الهی خاندان پر برکت رسالت است نه دودمان پلید امیه بنابراین شدنی نیست که آنان با حقایق دینی آشنا باشند و بر اساس آنها رفتار کنند، ولی ما چنین نباشیم ج امام حسین وارد منزل «شراف شد و طلیعه سپاهیان کوفه نیز به فرماندهی حربن یزید ریاحی از راه سید و پیام امیر کوفه را به حضرت بیان کرد. آنگاه امام به سخنرانی پرداخت و سخنان

آگاهی بخش را به آنان فرمود: «ایها الناس انھا معذرة الى الله والیکم و انی لم آتکم حتی اتتنی کتبکم و قدمت بها رسلکم ان أقدم علینا فأنه لیس لنا امام ولعل الله أن یجمعنا بک علی الهدی فان کنتم علی ذلك فقد جئتکم فاعطونی ما أطمئن به من عهودکم و موثیقکم و ان کنتم لقدمی کارهین انصرف عنکم الی المکان الّذی جئت منه الیکم ای مردم این سخنان من به جهت اتمام حجت بر شماست تا در پیشگاه خداوند نیز مسؤولیتی نداشته باشم من بی جهت به سوی شما نیامدم اگر بدین نوشته هایتان وفا دارید، اکنون من آماده‌ام و شما نیز با من پیمانی استوار ببندید و مرا از همکاری خودتان مطمئن سازید (تا حکومت دینی را برپا و حکومت یزیدی را سرنگون کنیم و اگر از آمدن من ناخرسنید، من حاضریم به محلی برگردم که از آن جا آمده‌ام. د. امام به منزل «بنی مقاتل وارد شد و اطلاع یافت که عیدالله بن حرّ جعفی نیز همراه یارانش در آنجاست وی از دوستان عثمان بود که پس از کشته شدن او به دربار معاویه پیوست و در نبرد صفین نیز در صف سپاهیان شام بود. سرانجام او یکی از راهزنان بنام شد و ثروت فراوانی به چنگ آورد. نخست حضرت حجاج بن مسروق را پیش او فرستاد تا او را هدایت کند، ولی سودی نبخشید؛ زیرا او از عزم جزم کوفیان مبنی بر کشتن فرزند فاطمه س خبر داشت امام شخصاً در خیمه‌های او حضور یافت و به او فرمود: «یا بن الحرّ! انّ اهل مصر کم کتبوا الیّ انهم مجتمعون علی نصرتی و سألونی القدوم علیهم و لیس الامر علی ما زعموا و انّ علیک ذنوباً کثیراً، فهل لک من توبه تمحوبها ذنوبک؛ ای فرزند حر! مردم دیار شما به من نامه نوشتند که عزمشان را برای یاری من جزم کرده‌اند و از من خواسته‌اند که به سوی آنان بشتابم لیکن حقیقت برخلاف نوشته‌هایشان است و تو در دوران زندگانی‌ات گناهان بسیاری انجام داده‌ای آیا قصد پاک شدن از آن گناهان را داری» عیدالله گفت به خدا سوگند! من می‌دانم که هر کس از تو پیروی کند، به سعادت جاوید دست می‌یابد؛ ولی احتمال نمی‌دهم که یاری من به حال تو سودی داشته باشد؛ زیرا در کوفه کسی را ندیدم که عزمش را به نصرت تو استوار ساخته باشد. به خدا سوگندت می‌دهم که مرا از این کار معاف بدار، چون من از مرگ سخت گریزان و هراسناکم و در عوض آن بهترین اسبم را به تو هدیه می‌کنم که در میدان جنگ بسیار چالاک است حضرت در پاسخ فرمود: «اما اذا رغبت بنفسک عنّا فلا حاجة لنا فی فرسک و ما کنت متخذ المصلین عضداً؛ اکنون که از ما رو گرداندی و از نثار جان خودداری و رزیدی ما نه به خودت نیازمندیم نه به اسبت زیرا من افراد گمراه را یاور خود بر نمی‌گیریم. در پایان افزودند: «انّی أنصحک کما نصحتنی ان استطعت أن لا تسمع صراخنا و لا تشهد وقعنا فافعل فوالله! لا یسمع و اعیتنا أحد و لا یصبرنا، الا اکبه الله فی نار جهنم همانگونه که تو مرا نصیحت کردی من نیز به تو نصیحت می‌کنم اگر خودت را به منطقه دوردستی می‌توانی برسانی که صدای استغاثه ما را نشنوی و حادثه دلخراش ما را نبینی حتماً این کار را بکن به خدا سوگند! اگر فریاد یارخواهی ما به گوش کسی برسد و او به یاری ما نشتابد، خداوند او را با خواری در آتش جهنم می‌افکند».

## دو یاد سپاری مهم

۱. از آنجا که رهبران الهی در صدد درمان و نجات دادن انسان‌ها از منجلاب‌های هلاکت و هدایت کردن آنان به سوی چکادهای برافراشته سعادت هستند، گاهی شخصاً به بالین بیمار می‌روند و با آگاهی از آلودگی‌های فراوانش به درمان او می‌پردازند. از این رو، حضرت با یادآوری خطاهای گذشته عیدالله، سعی در بازگشت او می‌کند؛ حتی با ذکر نام پیامبر و دخترش فاطمه به تحریک احساسات او می‌پردازد. این رفتار حسین (ع) همان اتمام حجت و آگاهی بخشیدن به مردم نسبت به پیامدهای شوم رفتارشان شمرده می‌شود. ۲. وقتی امام از هدایت یافتگی او ناامید شد و فطرت خدا جوی او را خموش یافت این پندار دنیاگران را که «هدف وسیله را توجیه می‌کند» به شدت غلط و باطل شمرد و با اقتباس از آیه (وما کنت متخذ المصلین عضداً)، این حقیقت را در گوش جهانیان طنین انداز کرد که برای رسیدن به هدف مقدس از وسیله پاک باید مدد جست و اموال دزدی و غارتی یا اهدایی دربار معاویه به کار حسین بن علی نیاید؛ زیرا او در صدد اجرای فرمان الهی و انجام دادن تکلیف دینی خود است. ه. نامه‌ای از کربلا به مدینه سرور

شهیدان پس از استقرار در کربلا، در نامه‌ای کوتاه به برادرش محمد بن حنفیه و سایر بنی هاشم چنین نوشت «أما بعد فكأن الدنيا لم تكن و كأن الآخرة لا تنزل». پس از حمد و ثنای الهی گویا دنیایی نبوده و ما نیز در این جهان نبوده‌ایم و آخرت نیز همواره پایدار و بی‌زوال است و ما نیز نبود نخواهیم شد».

## یاد سپاری

این نامه پر نغمه از اعتقاد راسخ و ایمان بنیادی او به مبدء و معاد حکایت می‌کند و در این لحظه‌های حساس و بحرانی به فکر نمایاندن حقایق جهان هستی به یاران و خویشاوندان است از زاویه دید انسان کامل دنیای به این بزرگی بسیار کوچک و گذرگاه است و هرچه هست در جهان آخرت است و دل بستگی به آن سبب اشتیاق به مرگ و ایثار جان و مال است پس چنین فرهنگی است فرهنگ نورانی عاشورا. عاشوراییان دنیا را هیچ می‌انگارند و به لذت‌های آن دل نمی‌بندند و آن را مزرعه‌ای برای آخرت خویش می‌دانند. دو خطبه در یک روز امام حسین در نخستین ساعت‌های روز عاشورا که سپاهیان کوفه را آماده نبرد دید، سوار بر اسب شد و صفوف سپاهش را سامان داد و آنگاه خطاب به کوفیان فرمود: «أيها الناس سمعوا قولي ولا تعجلوا، حتى أعظكم بما هو حق لكم على و حتى أعتذر اليكم من مقدمي عليكم فان قبلتم عذري و صدقتم قولي و أعطيتموني النصف من أنفسكم كنتم بذلك أسعد و لم يكن لكم على سييل وان لم تقبلوا مني العذر و لم تعطوا النصف من أنفسكم فأجمعوا أمركم و شركاءكم ثم لا يكن أمركم عليكم غمّة ثم اقصوا الي ولا تنظروا ان وليي الله، الذي نزل الكتاب و هو يتولّى الصالحين اي مردم سختم را بشنوید و در نبرد شتاب نکنید تا من وظیفه نصیحت کردن به شما را انجام دهم و انگیزه سفرم را بیان کنم پس اگر دلیل مرا پذیرفتید و انصاف را پیشه خود کردید، سعادت مند می‌شوید و دست از جنگ برمی‌دارید؛ زیرا دلیلی بر آن ندارید. اگر حرف مرا قبول نکردید و انصاف به خرج ندادید، آنگاه با یکدیگر متحد شوید و اندیشه باطلتان را درباره من عملی سازید و هیچ مهلتی به من ندهید؛ لیکن بدانید که ولی و پشتیبان من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده است و اوست مولا و یاور شایستگان. وقتی سخنان امام به این جا رسید، صدای گریه و ناله‌های زنان و کودکان حرم بلند شد. آنگاه حضرت به برادرش عباس و فرزند ارشدش علی اکبر مأموریت داد تا آنان را ساکت کنند و بدیشان بگویند که فعلاً ساکت باشید؛ زیرا گریه‌های زیادی در پیش رودارید. پس از اتمام حجت بر مردم کوفه و بازگویی حقیقت نامه‌ها و درخواست‌های آنان مطالب مهمی را در تقویت هوشمندی سیاسی - اجتماعی و پندگیری از اقبال و ادبار دنیا را بدینسان بازگو فرمود: «عباد الله! اتقوا الله و كونوا من الدنيا على حذر، فان الدنيا لو بقیت علی احد، لكانت الانبياء احق بالبقاء و أولى بالرضاء و أرضى بالقضاء غير ان الله خلق الدنيا للنفاء، فجديدها بال و نعيمها مضمحل و سرورها مكفهرو المرل تلقه والدار تلعنه فترو و وافان خير الزاد التقوى و اتقوا الله لعلمكم تفلحون اي بندگان خدا! تقوا پیشه کنید و از دنیا طلبی بگریزید. اگر دنیا به کسی وفا می‌کرد، یا کسی در آن همیشگی ماندگار بود، بی‌تردید پیامبران الهی برای بقا سزاوارتر و جلب رضایت شایسته‌ترین و تن دادن به چنین حکمی خرسندتر بودند؛ زیرا این که خداوند، دنیا را برای فنا آفریده است تازه‌هایش کهنه نعمت‌های نابود شدنی و شادی‌هایش به اندوه بدل می‌شود، منزلی پست و خانه‌ای موقت است پس به هوش باشید و برای آخرت خود توشه بگیرید؛ زیرا بهترین توشه آخرت تقوا و خدا اندیشی است تقوا پیشه کنید تا رستگار و کامیاب گردید». پس از بیان بی‌وفایی و گذرایی لذایذ دنیوی افزودند: «أريكم قد اجتمعهم على أمر قد اسخطتم الله فيه عليكم و أعرض بوجهه الكريم عنكم و احل بكم نعمته فنعمة الزب ربنا و بس العبيد انتم اقرتم بالطاعة و آمنتم بالرسول محمد ثم انكم زحتم الى ذرّيته و عترته تريدون قتلهم لقد استحوذ عليكم الشيطان فانساكم ذكر الله العظيم فتبالكم و لما تريدون ان الله و انا اليه راجعون هؤلاء قوم كفروا بعد ايمانهم فبعداً للقوم الظالمين شما بر چیزی با یکدیگر متحد شده‌اید که خشم خدا را بر شما برانگیخته بدین جهت خداوند از شما رخ بر تافته عذابش را بر شما فرود آورده است عجب خدای خوبی داریم و عجب بندگان می‌هستید که به طاعت او اعتراف کردید و پیامبرش را پذیرفتید، آنگاه برای کشتن

خاندان و فرزندانش حمله ور شدید؛ بی‌تردید شیطان بر شما چیره گشته خدای بزرگ را از یاد شما برده است وای بر شما، ننگ بر فکر و هدف شما، ما از آن خداییم و بازگشت ما به سوی اوست خدایا! تو شاهد باش اینان مردمانی هستند که پس از ایمان کفر ورزیدند، لعن و نفرین بر این مردم ستمکار باد». آن‌گاه برای پاسخ‌گویی به شبهات افراد ساده لوحی که بر اثر تبلیغات مسموم امویان فریب خورده بودند و حرکت حسین بن علی را شورشی علیه مصالح امت و خلیفه شرعی و قانونی می‌دانستند، جایگاه نسبی و شخصیت معنوی خود و خاندانش را بیان کرد و با این سخنان ثابت کرد که حمزه و جعفر، عموهای فداکار و جان نثار وی و علی بن ابی‌طالب - نخستین ایمان آورنده به خدا و رسول و سردار دلاور در جبهه‌های نبرد علیه کفار - پدر او بود و بدینسان هویدا ساخت که دودمان امویان سلسله جنابان ضدیت با اسلام بودند و مخالفان دین دیروز، امروز، قدرت دینی را در دست گرفته‌اند. سخنان امام در میان کوفیان ولوله‌ای پدید آورد و کم مانده بود که صدای اعتراض آنان بلند شود؛ ناگهان شمربین ذی الجوش داد زد: او نادان و گمراه است و نمی‌فهمد که چه می‌گوید! حبيب بن مظاهر در پاسخ وی گفت تو نادان و گمراهی و سخنان او را نمی‌فهمی زیرا خداوند قلبت را مهر و موم کرده است سپس امام (ع) سخنان را این گونه ادامه داد: «فان كنتم فی شك من هذا، أتشكون أني ابن بنت نبیکم فوالله ما بین المشرق و المغرب ابن بنت نبی فیکم و لا فی غیرکم و یحکم أطلبونی بقتیل قتلته او مال استهلکته او بقضاء من جراحه اگر در سخنان من به دیده تردید می‌نگرید، آیا شک دارید که من پسر دختر پیامبرتان هستم به خدا سوگند! در روی کره‌ی خاکی فرزند دختر رسول خدا، کسی جز من نیست وای بر شما! آیا کسی از شما را کشته‌ام که به خونخواهی او قصد کشتن مرا دارید یا مالی را نابود ساخته‌ام یا جراحی بر کسی وارد کرده‌ام که مرا قصاص کنید؟ با این خطابه حضرت سکوت مرگباری بر سپاه کوفه حکمفرما گردید. آن‌گاه برای تأیید سخنانش چند تن از سرشناسان کوفه را با نام صدا زد و فرمود: یا شیث بن ربیع و یا حجار بن ابجر و یا قیس بن اشعث یا یزید بن حارث الم تکتبوا لئلی أن قد اینعت الثمار و اخضر الجناب و انما تقدم علی جنید لک مجتده آیا شما برای من نامه نوشتید که میوه‌ها رسیده درختان سرسبز و خرم گشته است و در کوفه سپاه آماده‌ای در اختیار توست». آنان که راه‌گریزی نداشتند، سکوت پیشه کردند و قیس بن اشعث گفت چرا با پسر عمویت بیعت نمی‌کنی در این صورت او با تو به نرمی و مساعدت رفتار می‌کند. حضرت بسیار بر آشفت و فرمود: «لا والله! لأعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا أفرمنهم فرار العبید. یا عبادالله! انی عدت بربری و ربکم ان ترجمون اعوذ بربری و برکم من کل متکبر لا یومن بیوم الحساب. نه هرگز! به خدا سوگند! نه دست ذلت در دست آنان می‌گذارم و نه مانند بردگان صحنه نبرد را رها می‌کنم من به پروردگار خویش و شما پناه می‌برم از این که سخنان مرا باور نمی‌کنید. به خدای خود و شما پناه می‌برم از هر فرد متکبری که روز رستاخیر را باور ندارد».

## هدایتها و درسهای سازندگی عاشورا

### اشاره

حماسه شورانگیز کربلا، سراسر درس و عبرت و منشور هدایت است حماسه‌ای جاری در همه عصرها و نسل‌ها، حماسه‌ای پرشکوه که حاوی پیامهای حیات‌بخش فراوانی است حماسه‌ای که درسهایش در طول تاریخ زندگی سعادت‌مندان را برای انسانها، از هر نژاد و هر کشوری رقم می‌زند. بدین جهت برخی از آنها را از لابه لای سنت و سیرت و روایات امام حسین (ع) استخراج و با همدیگر مرور می‌کنیم

## عزت و افتخار حسینی

(مبارزه با طاغوت و به رسمیت نشناختن او، زیر بار ذلت نرفتن در برابر سختیها مقاوم و پایدار بودن. -در پاسخ ولید بن عقبه «ایها الامیر! انا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و مهبط الرحمة بنا فتح الله و بنا یختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمة معن بالفسق و مثلی لا یبایع مثله. - در پاسخ مروان بن حکم «انالله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ بلیت الامة براع مثل یزید.» - در پاسخ برادرش عمر اطرف «والله اعطى الدئیة من نفسی ابدأ و لتلقین فاطمة اباها شاکیه ما لقیتم ذریتها من امته و لاتدخل الجنة احدٌ اذاها فی ذریتها.» - در پاسخ برادرش محمد بن حنفیه «یا اخی لو لم یکن فی الدنیا ملجأ و لامأوی لما بیعت یزید بن معاویة - پس از ورود به سرزمین کربلا: «فانی لا أرى الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین إلا برماً.» - در آغازین نبردهای عاشورا: «صبرا یا بنی الکرام فما الموت الا- قنطرة تعبر بکم عن البؤس و الضراء الی الجنان الواسعة و النعم الدائمة. - در دومین سخنرانی در روز عاشورا: «الا و انّ الدعی قد رکز بین اثنتین بین السلة و الذلّة و هیهات منّا الذلّة یأبی الله لنا ذلک و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف حمیه و نفوس» آیه من ان نؤثر طاعة اللئام علی مصارع الکرام. - پس از جنگ مغلوبه مرحله عملیات «اما والله! أحببهم الی شیء مما یریدون حتی ألقى الله و أنا مُخضّب یدمی. - خطاب به فرزندان ابوطالب «صبراً علی الموت یا بن عمومتی صبراً یا اهل بیتی والله رأیتم هواناً بعد هذا الیوم .

### تسلیم فرمان و رضای خدا شدن

- هنگام وداع با جدش پیامبر (ص): «اللهم انّ هذا قبر نبیک محمد (ص) و انا ابن بنت نبیک و قد حضرنی من الامر ما قد علمت و استلک یا ذالجلال و الاکرام بحق القبر و من فیهِ الا اخترت لی ما هو لک رضی و لرسولک رضی. - در دیدار با مردی که از اوضاع نابسامان کوفه گزارش داد: «ان الامر لله یفعل ما یشاء و ربنا تبارک کل یوم هو فی شأن. - در پاسخ طرمح بن عدی و عمرو خالد و سعد و مجمع و نافع بن هلال که پس از شهادت مسلم و قیس بن مسهر صیداوی از کوفه گریختند و به امام حسین (ع) پیوستند: «اما والله انی لا رجو ان یکون خیراً ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا.» - در واپسین لحظه‌های حیات «اللهم متعالی المکان عظیم الجبروت شدید المحال غنی عن الخلائق عریض الکبریاء، قادر علی ما تشاء... صبراً علی قضائک یارب لا- اله سواک یا غیاث المستغیثین مالحارب سواک و لا معبود غیرک صبراً علی حلمک یا غیاث من لا غیاث له .

### لزوم حمایت از دین و ارزشهای دینی

- در وصیت نامه‌اش به محمد بن حنفیه «و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (ص).» - در نامه‌اش به مردم بصره «وانا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فان السینة قدامیتت و البدعة قد احيیت. - سخنرانی در جمع حاجیان در مکه «الحمد لله و ماشاء الله و لا قوة الا بالله و صلی الله علی رسولہ .. لا- محیص عن یوم حُطّة بالقلم رضی الله رضانا أهل البیت نصبر علی بلائه و یوفینا اجور الصّابرين. - پس از ادای آخرین نماز عشق «یا کرام هذه الجنة قد فتحت ابوابها و اتصلت انهارها و ايعنث ثمارها و هذا رسول الله (ص) و الشهداء الذین قتلوا فی سبیل الله، يتوقعون قدومکم و يتباشرون بکم فحاموا عن دین الله و دین نبیه و ذبوا عن حرم الرسول. - در وصیت نامه‌ی الهی سیاسی‌اش به محمد حنفیه «ارید... أن اسیر بسیره جدی و أبی علی بن ابی طالب (ع).» - حضرت ابوالفضل (ع) هنگام بریده شدن دست راستش «والله ان قطعتموا یمینی انی أحامی ابدأ عن دینی .

### احیای امر به معروف و نهی از منکر

- هنگام وداع مرقد مطهر رسول خدا (ص): «اللهم ان هذا قبر نبیک محمد (ص) و انا ابن بنت نبیک و قد حضرنی من الامر ما قد علمت اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر.» - در منزل بیضه «یا ایها الناس ان رسول الله: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله،

ناکثاً عهده مخالفاً لسنّة رسول الله، يعمل في عبادالله بالائتم و العدوان فلم يغيّر عليه بفعل و لا قول كان حقاً على الله يدخله مدخله .. و انا أحقّ ممّن غيّر».

### ویژگیهای رهبر اسلامی و روش حکومتی او

-در پاسخ نامه‌های مردم کوفه «فلعمری ما الامام الّا- العامل بالكتاب و الآخذ بالقسط و الدائن و الجالس نفسه على ذات .- در وصیت نامه الهی سیاسی اش به محمد بن حنفیه «ارید ان .. اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب .

### لزوم پیروی از رهبر الهی

- در نامه اش به مردم بصره «فان تسمعوا قولی اهدکم الی سبیل الرشاد».- در سخنرانی منزل شراف پس از برگزاری نماز عصر با طلیعه سپاه کوفه به فرماندهی حربن یزید ریاحی «اما بعد، ایها الناس فانکم ان تتقواالله و تعرفوا الحقّ لاهله یکن ارضی الله و نحن اهل بیت محمد (ص) اولی بولایه هذا الامر من هؤلاء المدّعين ما لیس لهم والسائرین بالجور و العدوان .- در سخنرانی منزل بیضه یا نامه‌ای به سران کوفه «فان اقمتم علی بیعتکم تصیبوا رشدکم فانا الحسین بن علی و ابن فاطمه بنت رسول الله، نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلیکم لکم فی اسوه .- در دومین سخنرانی امام (ع) در روز عاشورا: «... ما علیکم ان تنصتوا الی فتسمعوا قولی و انما ادعوکم الی سبیل الرشاد، فمن اطاعتی کان من المرشدین و من عصانی کان من المهلکین .

### خطر بی تفاوتی در برابر رهبری

- در پاسخ عبیدالله حرّ جعفی که از هواداران عثمان و از دوستان معاویه بود: «وانی انصحک کما نصحتنی ان استطعت ان لاتسمع صراخنا و لا تشهد وقعتنا فافعل فوالله لا سمع و اعیتنا احدٌ و لاینصرنا الا اکبه الله فی نار جهنم .- در پاسخ عمرو بن قیس مشرفی و پسر عموی که به بهانه کثرت اولاد و نابودی اموال و سرمایه از پشتیبانی امام حسین (ع) گریختند: «انطلقا فلا تسمعای لی و اعیة و لاتریا لی سواداً. فانه من سمع و اعیتنا او رأی سوادنا فلم یجینا او یغثنا، کان حقاً علی الله عزوجل ان یکبه علی منخریه فی النار».

### قاطعیت در تصمیم

- در پاسخ برادرش محمد بن حنیفه که وی را از حرکت به سوی مکه باز می داشت «یا اخی جزاک الله خیراً، لقد نصحت و اشرت بالصواب و انا عازم علی الخروج الی مکه و قد تهیات لذلك انا و اخوتی و بنو اخی و سمیعتی و امرهم امری و رأیهم رأیی .- پس از تصمیم امام حسین (ع) مبنی بر حرکت به سوی کوفه شماری از سرشناسان مانند محمد بن حنفیه عبدالله بن عباس عبدالله بن زبیر، از او خواستند که از تصمیم خودش برگردد. حضرت در پاسخ آنان فرمود: «و قد أزمعت علی المسیر».- در پاسخ طرمّاح بن عدی و چهار نفر از مردان کوفه که به سپاه نور پیوستند و امام را از حرکت به سوی کوفه بازداشتند: انّ بیننا و بین القوم عهداً و میثاقاً ولسنا نقدر علی الانصراف حتی تتصرف بنا و بهم الامور فی عاقبه .

### نرسیدن از مرگ و روحیه شهادت طلبی

#### اشاره

- در نخستین سخنرانی اش در جمع زایران خانه خدا فرمود: «الحمد لله و ماشاءالله و لاقوة الا بالله و صلی الله علی رسوله خطه الموت

علی ولد آدم مخطئ القلاده علی جید الفتاه و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف و خیر لی مصرع انالاقیه کانی بأوصالی تتقطعها عسلان الفلوات بین النواویس و کربلا فیملؤن منی اکر اشا جوفاً و أجره شغباً لامحیص عن یوم خط بالقلم .. من کان باذلاً فینا مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، فانی راحل مصباحاً ان شاء الله»- امام سجاد (ع) می فرماید: شب عاشورا پدرم در میان خیمه با چند تن از یارانش نشسته بود و «جون غلام سیاه پوست ابوذر به آماده سازی شمشیر، مشغول بود، آنگاه پدرم این اشعار را خواند: یا دهر افّ لک من خلیل کم لک بالاشراق والاصیل من صاحب أو طالب قتیل والدهر لایقنع بالبیدل و آتما الامر الی الجلیل و کذل حیّ سالک سبیل ای دنیا! افّ بر دوستی تو که صبحگاهان و شامگاهان افراد بی شماری از دوستانت را به کشتن می دهی و هیچ فناعت نمی کنی و بی تردید امور انسان در اختیار خدای بزرگ است و هر موجود زنده‌ای در مسیر مرگ حرکت می کند». آنگاه چشمانم پراز اشک شد و عمه‌ام زینب (س) با شنیدن این اشعار، نگران گردید و پس از رفتن یاران حضرت به خیمه برادرش درآمد و گفت ای کاش مرده بودم و چنین روزی را نمی دیدم ای یادگار گذشتگان و ای پناهگاه بازماندگان امشب همه داغهای مرا تازه کردی امام حسین (ع) به خواهرش زینب تسلی داد و پس از سفارش به صبر و پایداری فرمود: «یا أختاه تعزّی بعزاء الله و اعملی ان اهل الارض یموتون و اهل السماء لایبقون و انّ کل وجه هالک الاوجه الله الذی بقدرته و یبعث الخلق فیعودون و هو فرد وحده ابی خیر منی و امی خیر و اخی خیر منی ولی و لهم و لکل مسلم برسول الله اسوه»- در نزدیکی کربلا خواب سبکی بر چشمان امام (ع) چیره شد و ندایی را شنید که می گوید: «این گروه شبانگاهان در حرکتند و مرگ نیز آنان را دنبال می کند. وقتی بیدار شد، استرجاع کرد و علی اکبر (ع) این حالت پدرش را دید و سبب را جویا شد و امام خوابش را به پسر بازگو کرد. آنگاه علی اکبر گفت «لا أراک الله بسوء ألسنا علی الحق». امام فرمود: ما جز در صراط مستقیم گام نمی نهیم سپس علی اکبر گفت «اذا لا نبالی أن نموت محقین»- در نخستین گفت‌وگو با یاران پس از نماز صبح روز عاشورا فرمود: «صبرا یابنی الکرام فما الموت الا قنطرة تعبر بکم عن البؤس و الضراء الی الجنان الواسطة و التعم الداعه فأیکم یکن ان ینتقل من سجن الی قصر و ما هو لاعدائکم الا کمین ینتقل من قصر الی سجن و عذاب انّ ابی حدّثنی عن رسول الله (ص) انّ الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر، و الموت جسر هؤلاء الی جنانهم و جسر هؤلاء الی جحیمهم ما کذبت و لا کذبت

### دنیا گریزی و فریفته نشدن به آن

عصر پنج شنبه نهم محرم الحرام بود که سپاهیان سیه روی کوفه آهنگ حمله به سپاه نور را کردند و امام (ع) به برادرش ابوالفضل (ع) فرمود: «ارکب بنفسی انت یا اخی حتی تلقاهم فنقول لهم مالکم و ما بدأکم و تستلهم عما جاء بهم .جناب عباس (ع) رفت و قصد آنان را جویا شد. امیرشان گفت از سوی ابن زیاد دستور جنگ رسیده است حضرت برگشت و موضوع را به محضر امام (ع) عرضه داشت آنگاه سالار عابدان فرمود: «ارجع الیهم فان استطعت ان تؤخرهم الی غدوة و تدفعهم عنّا العشیة نصلی لربنا اللیلة تدعوه و نستغفره فهو یعلم انی احب الصلاة و تلاوة کتابه و کثرة الدعاء و الاستغفار»- هنگام ظهر روز عاشورا عمرو بن کعب (ابو ثمامه صائدی به امام حسین (ع) عرض کرد: وقت نماز ظهر فرا رسیده است دوست دارم آخرین نمازم را به امامت شما بخوانم حضرت فرمود: «ذکرت الصیلة جعلک الله من المصیلمین الذاکرین نعم هذا اول وقتها سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی .حصین بن نمیر گفت نماز شما قبول نیست (زیرا علیه خلیفه و امیر المؤمنین شوریده‌اید). حبیب بن مظاهر به او گفت ای نادان خیال می کنی نماز تو قبول است و نماز فرزند پیامبر پذیرفته نیست آنگاه حصین به وی حمله کرد و سپاهیان کوفه نیز او را به محاصره در آوردند و سرانجام وی شهید شد. در نتیجه دو تن از حماسه آفرینان میدان عشق سپر بلا شدند و سالار عشق نماز عشق را خواند و پس از پایان یافتن نماز، آن دو با بدنی خون آلود از تیرهای دشمن بر زمین افتادند و آن دو سعید بن عبدالله حنفی و عمر بن قرظله انصاری بودند که امام به آنان فرمود: «انت أمامی فی الجنة فاقراء رسول الله منی السلام».

## پیامد شوم خوردن مال حرام

در دومین سخنرانی روز عاشورا فرمودند: «وکلکم عاص لامرئ غیر مستمع لقولی قد انزلت عطیاتکم من الحرام و ملئت بطونکم من الحرام فطبع الله علی قلوبکم و یلکم الا- تنصتون الا- تسمعون» همگی سرکشی کرده به سخنانم گوش نمی‌دهید، زیرا بر اثر هدایای حرام و لقمه‌های حرام که شکمهایتان به آن پر شده خداوند دل‌هایتان را مهر و موم کرده است وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید؟

## دنیا گرایی انسانهای ضعیف الایمان

در نخستین سخنرانی امام پس از ورود به سرزمین کربلا: «الناس عبید الدنیا والدین لعق علی السنتهم یحوظونه مادرت به معایشهم فاذا محضوا بالبلاء قل الدیانون .

## آزادمردی و غیرت مردانگی

گاهی یاران امام (ع) موقعیت راهبردی داشتند و به سادگی دشمن را می‌توانستند از پا در آورند؛ لیکن آن حضرت از این عمل نهی کرد و فرمود: «هیچ گاه آغازگر نبرد نخواهم شد». حر بن یزید ریاحی نامه عیدالله بن زیاد را دریافت کرد که بر امام حسین (ع) سخت بگیرد: «جمع بالحسین حین تفرء کتابی و لاتنزله الا بالعراء علی غیر ماء و غیر حصن. آنگاه امام (ع) فرمود: «بگذار در بیابان نینوا یا غاضریات فرود اییم. حر گفت «پیک عیدالله مراقب من است و من این پیشنهاد شما را نمی‌توانم بپذیرم» در این هنگام زهیر بن قین به امام (ع) گفت «جنگیدن با این گروه اندک برای ما آسانتر است تا دیگر سواران کوفه نرسیده‌اند، با اینان بجنگیم. امام در پاسخ وی فرمود: «ما کنت لابدهم بالقتال. در واپسین لحظه‌های حیات نورانی اش در قتلگاه فرمود: «یا شیعه ال ابی سفیان ان لم یکن لکم دین» و کنتم لا تخافون المعاد. فکونوا احراراً فی دنیاکم و ارجعوا الی أحسابکم ان کنتم عرباً کما تزعمون أنا الذی أقاتلکم و تقاتلونى و النساء لیس علیهن جناح» فامنعوا عتاتکم عن التعرض لحرمی ما دمت حیاً». هنگام برخورد با طلیعه سپاه دشمن به فرماندهی حر بن یزید که خود و اسبان‌شان بسیار تشنه بودند: «أسقوا القوم و ارووهم من الماء و رشفوا الخیل- ترشیفاً».

## تعظیم شعائر الهی

در پاسخ سخنان هوس‌آمیز عبدالله بن زبیر در مکه فرمود: «ان بمکة کبشاً به تستحل حرمتها، فما أحب أن أكون ذلك الكبش و لئن أقتل خارجاً منها بشیر أحب الی من أن أقتل فیها و لئن أقتل خارجاً منها بشیرین أحب الی من أن أقتل خارجاً منها بشیر... و لئن أقتل بالطف أحب الی من أن أقتل بالحرم .

## بیان سنت الهی در رفتار با حق جویان و باطل گرایان

تلاوت قرآن در جمع یاران در شب عاشورا: و لایحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا ائثماً و لهم عذاب مہین - ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیہ حتی یمیز الخبیث من الطیب کثرت و پیروزی ظاهری لشکریان باطل نشان عنایت خدا و قلت و شکست ظاهری سپاهیان حق نشان بی‌مهری خدا به آن دو گروه نیست بلکه صحنه‌ای برای از مومن است تا صف نیکان از بدان و جبهه پاکیزگان از آلودگان جدا شود و این پیروزی موقت سبب هر چه بیشتر فرو رفتن جنایتکاران در منجلاب فساد و گناه شود تا خداوند یکسره آنان را به عذاب خویش گرفتار سازد؛ همان گونه که حضرت زینب س در پاسخ عیدالله بن زیاد ملعون



که از پیروزی بر امام حسین (ع) مغرور شده بود، این آیه را تلاوت کرد و به او هشدار داد که در انتظار عذاب سهمگین الهی بماند. - هنگامی که سخنرانی عمومی امام حسین (ع) در روز عاشورا و گفت و گو با عمر بن سعد بن ابی وقاص نتیجه‌ای نداد و او تیری را در چله کمان گذاشت و به سوی سپاهیان نور، شلیک کرد و گفت پیش امیرتان گواهی کنید که نخستین تیر را من شلیک کردم لشکریان کوفه همگی به تیرباران سربازان میدان عشق پرداختند که شماری از آنان شهید شدند. (و این حمله عمومی نامیده شد). آنگاه امام حسین (ع) برخاست و خطاب به دیگر یارانش فرمود: «قوموا ایها الکرام الی الموت الذی لابد منه فان هذه السهام رسل القوم الیکم فوالله ما بینکم و بین الجنة و النار الا الموت یعبر بهؤلاء الی جنانهم و بهؤلاء الی نیرانهم. همچنین پس از ادای نماز عشق به اندک یاران باقی مانده فرمود: «یا کرام هذه الجنة قد فتحت ابوابها و اتصلت انهارها و اینعت ثمارها و هذا رسول الله (ص) و الشهداء الذین قتلوا فی سبیل الله یتوقعون قدومکم و یتباشرون بکم فحاموا عن دین الله و دین نبیه و ذبوا عن حرم الرسول (ص)».

## دنیا لغزشگاهی خطرناک

### اشاره

امام حسین (ع) در نخستین سخنرانی اش در روز عاشورا فرمود: «عبادالله! اتقواالله و کونوا من الدنیا علی حذر. فان الدنیا لو بقیت علی احد أو بقی علیها احد، لکانت الانبیاء احق بالبقاء و اولی بالرضاء و ارضی بالقضاء؛ غیر ان الله خلق الدنیا للثناء، فجدیدها بالنعیمها مضمحل و سرورها مکفهراً و المنزل تلعه؛ فتزودوا ان خیر الزاد التقوی و اتقواالله لعلکم تفلحون»

## فقط پذیرش ولایت خدا

### اشاره

امام حسین (ع) در نخستین سخنرانی اش در روز عاشورا این آیه را تلاوت فرمود: (ان ولی الله الذی نزل الی کتاب و هو یتولی الصالحین؛ اگر شما مردمان کوفه مرا یاری نمی کنید، بدانید که ولی سرپرست و یاور من آن خدایی است که همه انسانها را با فرو فرستادن پیامهای آسمانی اش سرپرستی می کند و سایه لطف و هدایت ویژه اش را بر نیکو سیرتان می گستراند.

## یاد سپاری

«الصالحین غیر عملوا الصالحات است برخی در پرتو ایمان به مبدأ و معاد، کارهای شایسته و نیکویی انجام می دهند، به این امید که پاداش الهی را در آغوش بکشند که گاهی نیز از این افراد، کارهای ناشایستی سر می زند؛ لیکن برخی دیگر در سایه همت و پشتکارشان رویکرد به تقوا و گریز از طغیان چنان اوج می گیرند که گوهر ذاتشان شایسته و نیکو می گردد. در حقیقت صلاح جز و جان و مقوم ذات آنان می شود.

## باز بودن راه توبه

هنگامی که جناب حرّ بن یزید ریاحی از عزم راسخ عمر بن سعد با جنگ در برابر فرزند پیامبر (ص) آگاه شد، از سپاهیان کوفه جدا شد و به سوی امام حسین (ع) حرکت کرد و عذرخواهی کرد و گفت «آیا توبه من پذیرفته می شود؟». حضرت فرمود: «نعم

یتوب الله علیک و یغفر لک آری خداوند، توبه تو را می‌پذیرد و گناهانت را می‌بخشد».

### افزایش مصیبت پذیری در سایه پیوند با خدا

در فرجامین ساعت‌های روز عاشورا که همه یاران و فرزندان امام حسین (ع) شهید شدند، حضرت برای اتمام حجت ندای «هل من ناصر» را سر داد. وقتی صدا به خیمه‌ها رسید، صدای گریه و ناله‌های آنان بلند شد، و حضرت به سوی آنان برگشت و به آرامش سفارش کرد. همچنین به خواهرش زینب فرمود: «فرزند شیرخواره‌ام را به من بده تا برای آخرین بار با او وداع کنم. آنگاه حرمه بن کاهل اسدی به دستور عمر بن سعد، تیری به سوی آن کودک شیرخوار انداخت و گلویش را هدف گرفت خون از گلوی علی اصغر جاری شد و حضرت با دستش آن خون را گرفت و به سوی آسمان پاشید و فرمود: «هون علی ما نزل بی‌آنکه بعین الله؛ تحمل این مصیبت بر من آسان است زیرا در منظر و پیشگاه خداست».

### پیروزی خون بر شمشیر

هنگام بازگشت آزادگان حماسه آفرینان کربلا به شهر مدینه ابراهیم فرزند طلحه با هدف استهزای امام سجاد (ع) به وی گفت چه کسی در این نبرد پیروز شد؟ حضرت پاسخ دندان شکنی به او داد و فرمود: «اذا دخل وقت الصلاة فأذن و اقم تعرف من الغالب هنگامی که وقت نماز می‌شود، اذان و اقامه بگو تا فرد پیروز را بشناسی (یعنی آن که نامش در بالای مأذنه‌ها و بر سر زبانهاست پیامبر خداست».

### عبرتهای عاشورا

از بررسی و تحلیل همه جانبه فاجعه کربلا- بر می‌آید: عواملی که در پیدایش آن نقش بسیاری مهمی داشت بدین قرار است ۱. ضعف آگاهی و بینش اسلامی ۲. ضعف ایمان و باورهای دینی ۳. کم رنگ شدن معنویت ۴. افول غیرت دینی ۵. رویکرد به دنیاگرایی و گریز از آخرت جویی ۶. کنار زدن و صایای پیامبر درباره ثقلین (قرآن و عترت). پس اکنون که به فضل الهی و همت مردم نظام امامت و ولایت در ایران اسلامی برپا شده است برای پیشگیری از تکرار تاریخ به این موارد با دیده عبرت بنگریم و از ظاهر حماسه کربلا به باطن آن عبور کنیم و این حقایق مشکل را به خوبی دریابیم و نسل جوان را از این خطرها آگاه سازیم و برای تقویت بنیادهای فکری عقیدتی باورهای دینی پررنگ ساختن معنویت در جامعه فروزان ساختن مشعله‌های غیرت دینی آخرت طلبی و گسستن از دنیا و دل نبستن به زرق و برق آن نصب العین قرار دادن سفارش رسول خدا (ص) درباره ثقل اکبر و کبیر و عملی ساختن رهاوردهای آسمانی آن دو، بیش از پیش بکوشیم تا به لطف الهی شاهد پیروزی مطلق را در آغوش کشیم و این نظام اسلامی را به پرچمدار اصلی اش حضرت بقیه الله الاعظم - روحی فداه - بسپاریم و در رکاب مهرتاب او برای رشد و شکوفایی اسلام ناب نبوی (ص)، بکوشیم و جان ناقابل خود را فدایش سازیم

### نتیجه

در تمامی سخنان پیش گفته تنها چیزی که نمود برجسته‌ای دارد، تشخیص تکلیف الهی و وظیفه دینی و عمل به آن برای دستیابی به رضایت خداوند سبحان است که امام حسین (ع) نمادهای اختیار از این مهم را به صورت الهام هایی در عالم رؤیا بیان کرده است شایان تأمل است که خواب معصوم حجت است و هیچ تفاوتی میان خواب و بیداری او نیست قرآن مجید، چگونگی آگاهی حضرت ابراهیم (ع) از یک تکلیف مهم آسمانی رادر عالم رؤیا ذکر می‌کند. همچنین در روایات آمده است که امام رضا (ع)

فرمود «... یا حسن اءن منامنا و یقظتنا واحده .

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

